

«بِسْمِ اللَّهِ خَالِقِ آرامش»

نام کتاب: سیار فیتام

نام نویسنده: فتح الله همايونفر

تعداد صفحات: ۱۸۶ صفحه

تاریخ انتشار: سال ۱۳۶۳



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly

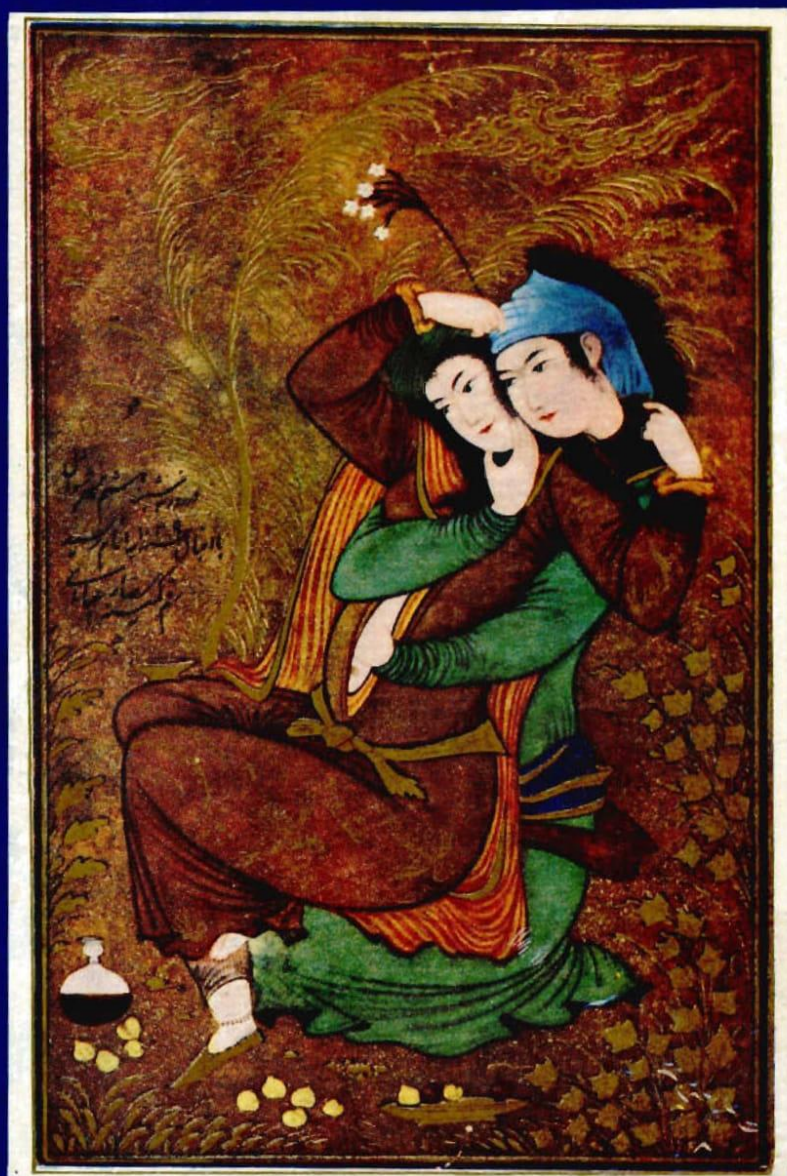


caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سیمای حسام



فتح السدما یولفر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شماره ثبت کتابخانه ملی ۱۹۳۲
۳۶/۱/۱۶



بها ۲۵۰ ریال



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

سپاسی حقیقی

به کار استادان برجسته‌ای همچون:
شادروان پروفسور هشترودی و آقایان دکتر علام‌حسین
مصاحب - ابوالقاسم قربانی و دیگر شخصیت‌های
برجسته‌ای که در جهت شناساندن چهره‌خیا مریاضیدان
کوشش‌های شمربخش نموده‌اند، ارج می‌نهیم.

فتح الله‌ها یونفر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



حق چاپ دائم برای انتشارات فروغی محفوظ است

چاپ اول این کتاب در سه هزار نسخه در چاپ نیلوفر
در بهمن ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی بچاپ رسید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اهداء کتاب به :

— او که تا واپسین دم حیات برای

سعادت فرزندانش کوششی ستایش

انگیز داشت .

— او که از دست رفتنش ، زمینہ ساز

غمی جانگاہ شد و نبودنش را

هنوز ہم احساس میکنم و زندگیم

را مدیون اویم

— شادروان پدرم .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۱	پیشگفتار
۱۲	خیام کیست؟
۲۸	درباره‌ی خیام شاعر
۴۱	... و خیام ریاضی‌دان
۵۲	شهرت جهانی خیام
۶۳	باده‌پرستی خیام



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

صفحه	موضوع
۷۸	فلسفه خیام
۹۸	معیار شناخت رباعیات اصیل خیام
۱۱۹	... و باز هم کلید
۱۲۷	قدیمترین مآخذ رباعیات حکیم خیام
۱۳۴	رباعیات یتیم
۱۴۶	هاله‌ی افسانه‌ها
۱۵۵	نام خیام و کتب فارسی و عربی و ترکی
۱۶۴	آثار خیام
۱۷۱	سیمای خیام
۱۸۰	منابع و مآخذ



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حکیم عمر خیام نیشابوری
دانشمند ناشناخته‌ای که از او با
نام: "نابغه علم و هنر" یاد
کردماند.

بسیاری از آثار خیام هنوز پیدا
نشده است.

فورمولهای خیام قرن‌ها بعد از او
توسط دانشمندان در غرب دوباره
کشف شد.

۲۸ دی ماه ۱۳۴۷

دکتر محسن هشترودی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پیشگفتار

سیمانگاری خیام با طرح پرسش‌هایی مانند:

۱- خیام کیست؟

۲- آثار خیام چیست؟

۳- چرا خیام شهرت جهانی پیدا کرده است؟

و یا اینکه آیا:

۱- خیام ادیب بوده است؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۲- خیام ریاضی‌دان بوده است؟

۳- خیام منجم بوده است؟

۴- خیام فیلسوف بوده است؟

و بالاخره آیا:

خیام شاعر بوده است؟

و پاسخ بدین پرسش‌ها و دیگر سوالات بگونه‌ای شایسته و مطلوب
امکان‌پذیر نخواهد بود.

سیمانگاری عصر خیام، این روشن‌اندیش روشنفکر، نیاز
به‌شناخت "جهان خیام" دارد.

عصر خیام، عصر معیارهای ناراستین و عصر باری بهر جهت
است، عصریست که از "همبستگی‌های بشری" جز بندرت، خبری
نیست. رابطه‌ها قلبی و عمیق نیست. جهان سوء تفاهم‌هاست و
عصر تعصبات دینی است.

براین پایه، درک زمان خیام مستلزم مطالعه ژرف اوضاع
اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرن پنجم می‌باشد.

بررسی این مسائل و بررسی آثار علمی و ادبی خیام در



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

صلاحیت کسانی خواهد بود که دارای مایه علمی کافی هستند ،
و صادقانه اعتراف می‌کنم که غرض از این تالیف آنست که محققان
و پژوهشگران گرانقدر در باره خیام بررسیهای ارزنده بنمایند و
سیمای والای خیام را از ورای آثار بررسی شده‌اش ، هماهنگ با
درک مسائل زمان زندگانی این دانشمند ترسیم کنند .

چرا که : " با اعتقاد من هنوز میدانی فراخ و مجال و محلی
وسیع برای تحقیق و بررسی و کارکردن در هر دو بخش آثار علمی
و ادبی حکیم خیام باقی است " .^۱

بازگو نمودن " فرهنگ عصر خیام " و " اقتصاد زمان او " و
" شناخت نظام حاکم بر سرنوشت مردم " و تشریح اوضاع اجتماعی
قرن پنجم در توان نگارنده نیست . کاری که انجام شده است ،
فتح بابی است و اساس کار که " ترسیم سیمای راستین خیام " باشد
با محققان گرانقدر زبان پارسی و خیام دوستان کنونی و آینده
خواهد بود .

۱- همائی ، جلال‌الدین ، طریخانه : انتشارات انجمن آثار ملی"
ص ۶۰



بیان من در باره‌ی فرزانهٔ فکور و آزاد اندیش و نبی‌پرور
قرن پنجم زمان "ملکشاه سلجوقی"^۱ نارسا است و این نارسائی
یا عدم توانائی علمی "وسیله‌ای" از برای اغماض و گذشت تواند
بود، چون:

"... هراندیشه و پندار و نوشته‌ای بدون خطا نیست".^۲

بنابراین برای ترسیم سیمای حقیقی خیام به‌پژوهشی ژرف
و جامعه‌شناسانه نیازمندیم و امیدواریم که این ژرف‌نگری‌ها در
آینده هرچه نزدیک وسیله‌ی متفکران پراج و خیام‌شناسان عالیقدر
این سرزمین ادب‌پرور صورت پذیرد.

در باره‌ی عنوان انتخابی کتاب "سیمای خیام" باید گفته
شود: مطالعه‌ی نوشته‌های فراوان و آشنائی با تفکرات محققان
دانشمند خیام‌شناس، سبب شد که نتوانم سیمای مشخصی برای

۱- تالبرگ، فردریک، از کورش تا پهلوی، نشریه دانشگاه پهلوی

شیراز، ص ۵۸.

۲- هدایت، عیسی، "مکتب خیام"، ص ۴.



حکیم پیدا کنم و اینهمه اندیشه‌های متفاوت را در قالب "سیمای راستین خیام" پیاده سازم و بناچار پی‌آمد آن مطالعات و بهره‌گیری‌های شتاب‌آمیز، زمینه‌ساز نام کتاب گردید که تصویری است از خیام مردم ساخته و چنین تصویری که منطبق با شناخت ابهام‌آمیز خیام باشد زمینه‌ی مناسبی خواهد بود از برای تحقیقات و بررسی‌های هرچه بیشتر در بارهٔ حکیم خیام.

تهران - بتاريخ ۳۰ دیماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

فتح اله همایونفر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خیام‌کیت

وقتی سخن از خیام به میان می‌آید، برای پژوهشگران و محققان آثار ادبی ایران دشواری‌هایی رخ می‌نماید، چراکه از خیام با عناوین: ریاضیدان، شاعر، فیلسوف، منجم و ادیب یاد شده است.

از دیدگاه تحقیقات بدشواری امکان‌پذیر خواهد بود که از "ورای رباعیات خیام" این فیلسوف گرانقدر عالم بشریت را



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شناخت .

نقد آثار این حکیم فرزانه، از جنبه ریاضی نیز کار بزرگ مردان آفریننده‌ای است که خود اهل قلم و درعالم ریاضی دانا. قلمزنی در باره‌ی خیام شاعر هم کار آسانی نیست، زیرا تاکنون شاعران متعدد به شیوه‌ی خیام، رباعی ساخته و مکنونات ضمیر خویش را بعنوان سروده‌های خیام، در اختیار ادب‌دوستان قرار داده‌اند، و براین پایه، تشخیص ترانه‌های خیامی از رباعیات خیامی وار نیاز به ضابطه و معیارهای اصولی و اساسی دارد. با این توصیف، بررسی آثار خیام و شناخت وی که در نزد اهل ادب، شاعر، عارف، پیر نیشابور و... لقب گرفته است، کاری است در توان ادبای زمان نه در قدرت قلمزنی کم توان.

براساس نوشته‌ها، نام حکیم خیام "عمر" و نام پدرش "ابراهیم" و از مردم نیشابور خراسان بوده و تولدش بسال ۴۳۹ هجری مطابق با ۱۰۴۸ میلادی و وفاتش در سال ۵۱۷ هجری^۱

۱- فرزانه، محسن، کتاب: "خیام شناخت"، ص ۶۷ - ۶۶.



اتفاق افتاده است. مقبره حکیم عمر خیام با وضع بسیار ساده و عبرت‌آموزی در کنار بقعه امامزاده محروق قرار داشت، اما بالاخره تصمیم گرفته شد که آرامگاهی شایسته این حکیم بسازند، و چون در جوار بقعه هم ساختن آرامگاهی شایسته وی مقدور نبود لذا: "قسمتی از باغ برای آرامگاه اختصاص" داده شد^۱ و در فروردین ماه ۱۳۴۲ آرامگاه خیام رسماً گشایش یافت (تاریخ شروع بنا ۱۳۳۹ - تاریخ خاتمه ۱۳۴۲).

بهرتقدیر، حکیم خیام شاعر، خیام منجم و ریاضیدان را تحت الشعاع قرار داده و شهرت عالم‌گیر وی از جهت شاعری می‌باشد.

رباعیات خیامی به‌لحاظ ارائه معیارهایی از برای شناخت جهان هستی و شیوه ساده و بی‌تکلف زندگانی همچنین توصیه‌هایی در باره‌ی مسائلی نظیر:

۱- مجله آثار ملی، شماره اول، ص ۹۲.



– غم فردا نخوردن

– دم را غنیمت شمردن

– غفلت از مرگ و پایان کار جهان

– راز زندگی و معمای دهر گشودنی نیست

– خوش بودن

که می‌توان مجموعه این نظرات را در قالبی بنام " اصول فکری "
خیام در:

"بی‌دوامی و کوتاهی عمر – غنیمت دانستن دم گذران و

فارغ بودن از اندیشه و گشایش راز دهر".^۱

خلاصه نمود که یکی از اقوی دلیل شهرت خیام در جهان می‌باشد.

بقول آقای دکتر هشترودی: "پاران به مجلسی شبانه می‌نشینند

۱- هشترودی، دکتر محسن، مقاله‌ی: "خیام ریاضی‌دان شاعر"،

مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۳ سال دهم ص ۳۰۵.

۲- همان ماخذ، ص ۳۰۴.



ولی این شب روزی در پی ندارد و بنوبه جا تهی می‌کنند،
هرچه هم کسب فضیلت و معارف بیشتر دست بدهد سرانجام
باید بی‌خبر از دنیا رفت^۱.

آنانکه محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال، شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند بروز
گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند

توصیه‌های خیام از برای شناخت خویش و شناخت جهان

هستی و قبول واقعیت‌ها چنان غوغائی برپا نموده که:

"... کمتر کتابی در دنیا مانند مجموعه ترانه‌های خیام
تحسین شده، مردود و منفور بوده، تحریف شده، بهتان

۱- هشترودی دکتر محسن، مقاله‌ی: "خیام ریاضی‌دان شاعر"،
مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۳، سال دهم،
ص ۳۰۴.



خورده، محکوم گردیده، حلاجی شده و شهرت عمومی و دنیاگیر پیدا کرده و بالاخره ناشناس مانده... "۱ است. بنا براین دانستن سال تولد و وفات خیام چندان مهم نیست، بلکه پی بردن به روحیات و شخصیت افسانه‌ای این حکیم مشهور با عنایت به اوضاع اجتماعی زمان حیات وی مطلبی است درخور تعمق.

در روزگاری که دنیا در تعصب و جهالت غوطه می خورد، در روزگاری که در نیشابور بین رافضی‌ها و اشعریها تعصب و اختلاف خونین وجود دارد، حکیم نیشابور جز خاموشی چه چاره‌ای دارد؟ محقق شایسته دکتر زرین کوب می نویسد: " - حنفی‌ها و شافعی‌ها دائم در نزاع بودند، در آن زمان مذهب اشاعره تقریباً" هرنوع آزادی فکر را از بین برده بود، فرقه معتزله که تا اندازه‌ئی

۱- هدایت، صادق، "ترانه‌های خیام"، انتشارات امیرکبیر،

چاپ چهارم، ۱۳۴۲.



بوی آزادی بدماغشان رسیده بود در این زمان چنانکه مؤلف بیان‌الادیان می‌گوید جز در بین "بعضی از فقهای عراق" طرفدار نداشت و "فقهای خراسان که از اصحاب ابوحنیفه" بودند همه تابع اصول اشاعره بشمار می‌آمدند^۱.

در چنین اوضاع اسفانگیزی، حکیم خیام در علوم زمان تبحر دارد و از ادب و قرآن هم بهره کافی، در زمینه‌ی ریاضی تحقیقات می‌نماید و به علم نجوم و طب نیز دلبستگی فراوان نشان می‌دهد تا جایی که:

"... آبله شاهزاده سلجوقی را معالجه میکند. ما مورصد میشود، تقویم را اصلاح میکند، در باره وزن مخصوص طلا و نقره تحقیقات تازه دارد، نوعی ترازو اختراع میکند، در

۱- زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین، "باکاروان حله"، ص ۱۰۵ تا

۱۰۶، سلسله انتشارات آریا، مجموعه نقد ادبی، ۱۳۴۳.



الهیات و ریاضیات تامل و تفکر میکند ، و بر محیط علم و معرفت عصر خویش تفوقی بارز دارد ، کتابهای طب و حکمت چون قانون و شفا را با دقت و تحقیق میخواند . . . با اینهمه با درس و بحث چندان میانه ندارد ، نه فقط برای آنکه از علم راهی بسرمنزل مقصود نمی یابد ، بلکه بیشتر از آن جهت که ابنای روزگار را مستعد معرفت نمی بیند " ۱

چرا ؟

به خیام تهمت زده اند که در کارتعلیم خست دارد ، و حکیم نیشابور این اتهام را با خاموشی پاسخ میدهد و میداند که پاسخ یاوه گویان و بی خردان خاموشی است .
محیط اجتماعی خیام وحشت آور و دلهره انگیز است ،

۱- زرین کوب ، دکتر عبدالحسین ، "باکاروان حله" ، سلسله -

انتشارات آریا ، مجموعه نقد ادبی ، سال ۱۳۴۳ ، ص ۱۰۴

تا ۱۰۵ .



عصریست پر از آشوب و جدال و فتنه و بقول عبدالرحیم شہولی
 "... خیام در زوایہ خویش ممتحن - روح و زندگیش رنگ ابہام
 گرفتہ و زادگاہ عمر خیام نیشابوری، چندین بار براثر زلزله ویران
 شدہ" است^۱.

آشفتنگی محیط بر تفکرات عمیق و جهانی خیام تاثیر فراوان
 بخشیدہ است و افکارش نمایانگر دنیای بیرون است، دنیائی کہ
 جز رنج و اندوہ و حسرت و ناکامی بہرہای ندارد، معذک خیام
 تلاش می کند کہ جهان ہستی را بدانسان کہ مردم عادی می بینند
 و درک می کنند مورد بررسی قرار ندهد، و براین پایہ "...
 طبیعت حوادث را با بینشی علمی در عمق مجموعہٴ پدیدہ ہا بہ
 تحقیق میکشد"^۲ و چون از وضع زمانہ و نابخردی مردم آگاہ است،

۱- شہولی، عبدالرحیم، "حکیم عمر خیام و زمان او"، انتشارات

گوتمبرگ، ص ۱۸ - ۱۷ .

۲- همان ماخذ، ص ۱۹ .



راز داری را پیشه خویش می سازد .

هر راز که اندر دل دانا باشد
باید که نهفته تر، زعنقا باشد
کاندر صدف از نهفتگی گردد در
هر قطره که راز دل دریا باشد

خیام با ریا و تزویر، دورنگی و دورویی موافق نیست و عظمت
آدمی را در صداقت، راستی و شهامت میداند .

خیام با مردم تماس دائم داشته، زندگی کردن در میان
مردم او را شخصیتی " مردمی " ساخته و وابستگی غیر گسستنی
با جامعه خویش پیدا کرده است . از اینرو : " زبانش سرودگوی
زیبائی های زندگی و بیانش ترجمان دل و احساس زمانه خویش
است " ^۱ .

۱- شهبولی، عبدالرحیم، " حکیم عمر خیام و زمان او، انتشارات
گوتمبرگ، ص ۵۳ .



خیام به زندگی عشق می‌ورزد ، و زندگی را همان لحظات
 بشمار می‌آورد ، به بی‌سرانجامی آدمی معتقد است ، اسرار طبیعت
 را پیچیده میداند و کسی را "رازگشای" این "معما" نمی‌شناسد .
 خیام به‌زمانه و بازیگریهای زمانه، اعتمادی ندارد، اساس
 دنیا را بر آمدن و رفتن می‌داند و این "آمدن" و "رفتن" را
 "معمای حیات" می‌نامد و معترف است کسی به‌حل "معما" توفیق
 نیافته و نخواهد یافت ، هرکس از دیدگاه خویش افسانه‌ای برای
 زندگی و جهان پس از مرگ ساخته است .

این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت
 کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت
 هرکس سخنی از سر سودا گفتند
 زان روی که هست کس نمی‌داند گفت^۱

۱- انتخاب رباعی از کتاب "خیام‌شناخت" نوشته آقای محسن
 فرزانه می‌باشد .



خیام می‌گوید: گذشته که بر نمی‌گردد و آینده هم نامعلوم است، پس زندگی بین دو "عدم" قرار گرفته است و آن "دم" است و باید که "دم" را غنیمت شمرد و غم خوردن بیهوده هم سودی نخواهد داشت.

از دی که گذشت، هیچ از او یاد مکن
فردا که نیامده است فریاد مکن
بر نامده و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش و عمر برباد مکن

شادی به‌مطلب که حاصل عمر "دمی" است
هر ذره ز خاک کیقبادی و جمی است
احوال جهان و عمر فانی و جود
خوابی و خیالی و فریبی و "دمی" است

خیام به‌سرنوشت و جبر زمان اعتقاد دارد، می‌گوید:



چون می‌گذرد عمر چه شیرین و چه تلخ
"پیمانہ" جو "پر" شود چه بغداد و چه بلخ
می‌نوش که بعد از من و تو ماه بسی
از سلخ به غره آید از غره به سلخ

خیام نیک دریافته که جهان بکام کسی نمی‌گردد و آرزوهای
آدمی حد و مرزی ندارد ، به آرزومندان هشدار می‌دهد :

چون چرخ بکام یک خردمند نگشت
خواهی توفلک هفت شمر خواهی هشت
چون باید مرد و آرزوها همه هشت
چه مور خورد بگور و چه گرگ بدشت

خیام دستیابی به حقیقت هستی را کاری غیرممکن می‌داند
و شناسائی جهان حقایق را از طریق شک و گمان تلاشی بیهوده
می‌شمارد :



چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
 نتوان به گمان و شک همه عمر نشست
 هان تا ننهیم جام می از کف دست
 در بی خبری مرد چه هشیار و چه مست

خیام پیرو نظم فکری است و اهل استدلال ، و مکتب خیام
 مکتب رئالیستی است :

"هوش سرشار و ذهن وقادش حاضر به پذیرفتن سنت‌های
 ایده‌آلیستی نبود ، بنا به همین ذوق و استنباط، فلسفه
 رئالیستی خود را بنیان نهاد" ^۱.

خیام بشر را بسوی معرفت و دانائی راهنمائی می‌کند و
 عصاره "دین" را صداقت و درستی و خدمت به‌هم‌نوع می‌داند ،
 از چاپلوسی و تملق پرهیز می‌کند و برای خوش آیند حکام و

۱- فرزانه ، محسن ، کتاب : "خیام شناخت" ، انتشارات گوتمبرگ



پادشاهان عصر و مردم زمانه سخنی نمی‌گویند .

خیام پیرو مکتب انسانیت است ، خلقت و مرگ را امری عادی می‌شمرد و برگشت دوباره را بصورتی که مردم بازگو می‌کنند قبول ندارد و تجزیه و تحلیل اجزاء بدن و اشیاء را جزء قانون طبیعت می‌داند .

و خلاصه آنکه خیام دانشمندی است که در پرتو تفکر و اندیشه‌های روشن توانسته است مشکلات بشر را بررسی کند ، و راه حل‌های منطقی برای رهایی از دردها و رنجها پیشنهاد نماید ، از اینرو خیام آموزگاری است توانا و رهبری است دانا برای ارشاد و ترقی و پیشرفت جامعه .

حکیم خیام ، ریاضیدان دانشمندی است که شهرت شاعری وی در جهان برجسته‌های دیگر علمی او برتری یافته است و با آنکه به‌ظن غالب به یقین حکیم خیام فیلسوفی است توانا و ریاضیدانی است دانا و ممکنست چند رباعی علمی (نجومی) و غیر علمی هم سروده باشد اما رباعی‌های سروده شده و منسوب



بهوی آنقدر فزونی یافته است که نام حکیم ریاضیدان را تحت –
الشعاع قراردادده است و امروزه درجهان حکیم عمرخیام را شاعری
رباعی‌گو می‌شناسند نه حکیمی ریاضیدان .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

درباره‌ی خیام شاعر

در گذرگاه شاعری، خیام شاعر هم، ناشناس مانده است و

سیمائی دارد:

"مشوش و مغشوش، زیرا که وسیله تشخیص سیمای او رباعی

هائی است که معلوم نیست از خیام باشد، بلکه گاهی رباعی

هائیت که محققا "از او نیست".^۱

۱- دشتی، علی، کتاب: "دمی با خیام"، انتشارات امیرکبیر، ص ۵.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما اگر برای شاعری، به‌بیان دیگر برای "شاعر بودن" ضابطه‌ای نظیر: ذوق و حال و مایه ادبی و آشنائی بقواعد شعری و... لازم باشد و هرگاه شعر را: "عبارت از بیان فکری و شوری بوسیله کلام موزون" ^۱ بدانیم، پس خیام هم می‌تواند شاعر باشد، چرا که قدرت تفکر عالی داشته و توانسته است مفاهیم عالی و افکار بلند خویش را در یکی از قالب‌های شعری (رباعی) پیاده کند، چون رباعی کوچکترین: "وزن شعری است که انعکاس فکر شاعر را با معنی تمام" می‌رساند. ^۲

بنابراین، قدرت بیان افکار و شیوایی کلام در رباعیات حکیم خیام آنچنان است که آدمی بفکر فرومی‌رود. چطور می‌توان عقیده فلسفی را در قالب یک رباعی گنجانند؟ علاوه بر آن، برای

۱- زرین کوب، دکتر عبدالحسین: "با کاروان حله"، انتشارات آریا، ص ۱۰۷.

۲- هدایت، صادق: "ترانه‌های خیام"، انتشارات امیرکبیر، ص ۵۳.



بیان هر عقیده و نشان دادن افکار و نظرات از این قالب (رباعی) استفاده نمود؟

خیام را باید مبتکر دانست، زیرا در شعر از کسی پیروی نمی‌کند و بوده‌اند شاعران و سرایندگان فراوانی که از شیوه خیام پیروی و تقلید کرده‌اند و در این عصر هم رباعی‌گویان فراوانند اما سخن خیام را طراوتی است دگر.

می‌گویند از مشخصات بارز کلام خیام ایجاز است، رباعی را بی‌تکلف – ساده و روان و طبیعی سروده و زمینه‌ای برای بیان اندیشه مهیا ساخته است.

خیام چون در علوم ریاضی متبحر بود و فلسفه و نجوم و حکمت را بخوبی می‌دانسته، سروده‌هایش از ابتدال مایه نگرفته و گوهر پاک سخن را بیهوده به پای این و آن نریخته است.

با این توصیف، ترسیم چهره‌ای از خیام بعنوان شاعر واقعا "دشوار است چون "خیام شاعر" مانند: "فرخی و عطار و سعدی و مولوی سیمای شاعرانه" مشخصی ندارد، بلکه باید آنرا



بتدریج و با نهایت احتیاط و بیاری اسناد ساخت".^۱

خیام شاعر، یکی از مفاخر گرانمایه وطن ماست و محققان ارجمند در باره‌ی آثار ادبی وی بیشتر از آثار علمی او به پژوهش پرداخته و سخن گفتنند و همین موضوع سبب شده است که در ترسیم سیمای خیام شاعر تردیدهای فراوان پیش آید.

عده‌ای از پژوهشگران، سیمای خیام را در رباعیات وی جستجو نموده‌اند، رباعیاتی که "در ادب فارسی مشهور"^۲ و بلحاظ انسجام و تازگی مطلب و عمق اندیشه مکرر مورد تقلید قرار گرفته است و بعضی نیز معتقدند که خیام "سیمای مشخصی" ندارد و در خلال این گفته‌ها، صادق هدایت را می‌بینیم که عقیده دارد:

"ترانه‌های خیام بقدری ساده - طبیعی و بزبان دلچسب

۱- فولادوند، محمد مهدی، کتاب: "خیام شناسی"، ص ۴۴.

۲- ایرانشهر، جلد اول، ص ۶۶۲



ادبی و معمولی گفته شده که هرکسی را شیفته تشبیهات
قشنگ آن می‌نماید و از بهترین نمونه‌های شعر فارسی بشمار
می‌آید." ۱

گفته شده که خیام شاعر، در بیان عقاید، همچون حافظ
و سعدی و مولوی... از شیوه پرده‌پوشی، ابهام و اسرار استفاده
نکرده و مطالب را زیر پوششی از اصطلاحات صوفیانه قرار نداده
است.

حافظ می‌گوید:

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما

در این بیت، حافظ به‌زاهدان حيله‌گر دوروی انسان‌نما، رندانه

۱- هدایت، صادق: "ترانه‌های خیام"، انتشارات امیرکبیر



حمله می‌کند ولی خیام نیازی احساس نمی‌کند که به‌هنگام بازگو کردن زشت‌کاری دیگران از "پرده‌پوشی" استفاده کند.

در روح خیام شاعر، طبیعت زیبا، بهار دل‌انگیز، گلها، چمنزارها، رود و دشت و کوه و مناظر دلفریب و نسیم ملایم تاثیر بیشتری داشته است، بدین سبب با ظرافت و لطافت خاصی طبیعت را احساس می‌کرده و بیان می‌نموده و نیازی به تملق‌گوئی نداشته است، اما گاهی هم برای بیان موضوعی خاص و یا پاسخگوئی به بدگویان و حاسدان از کلمات خودشان استفاده می‌کرده است مثلاً

در این رباعی:

گویند: بهشت و حور عین خواهد بود
 آنجا می‌ناب و انگبین خواهد بود،
 گر ما می‌و معشوقه‌گزیدیم چه باک؟
 آخر نه بعاقبت همین خواهد بود؟

یا در این رباعی:



گویند ، بهشت و حور و کوثر باشد ،
جوی می و شیر و شهد و شکر باشد ،
پرکن قدح باده و بردستم نه
نقدی ز هزار نسیه بهتر باشد^۱

گفتیم که محققان درباره‌ی سیمای خیام شاعر نظرات مختلفی
ابراز داشته‌اند ، از صادق هدایت یاد کردیم و اینک با باورهای
علی دشتی آشنا می‌شویم که می‌گوید : "خیام بمعنی اصطلاحی
عصر خود شاعر نبوده است . . . اما بطور مسلم از برجسته‌ترین
کسانیست که شعر را برای تفکرات فلسفی خود بکار برده‌اند و چنان
می‌نماید که ضرورتی روحی او را بدین کار کشانیده است " .^۲
بی شک ، کسانی که بشاعری و نویسندگی و تحقیق و تالیف

۱- انتخاب رباعی‌ها (دورباعی گویند . . . " از کتاب "ترانه
های خیام " صادق هدایت می‌باشد .

۲- دشتی ، علی : "دمی باخیام " ، ص ۱۳۳ .



و روی می‌آورند ، "ضرورتی روحی" در وجودشان احساس می‌کنند (استثناء هم دارد) و خیام شاعر نیز نمی‌تواند شانه‌از زیر بار این "ضرورت روحی" خالی کند .

خیام بواقع از برجسته‌ترین کسانی است که شعر را برای بیان تفکرات فلسفی خود بکار برده است و همانطور که ذکر شد ، اینکار براساس یک ضرورت روحی بوده است .

خیام شاعر در انتخاب کلمات برای بیان عقاید و اندیشه‌های فلسفی و سواس دارد و اگر از کلماتی نظیر: "فلک" ، "دهر" ، "چرخ" و غیره استفاده می‌کند علتش آنست که از نجوم بهره‌ی کافی دارد . اما: "چیزیکه شیوه سخن او را به نحو خاصی مشخص می‌کند ، عقیده‌ایست که به تحول مستمر طبیعت دارد در سخن خیام حسن ترکیب ، سادگی انشاء ، استحکام بیان پیوسته با اندیشه فلسفی توأم است و این امتزاج بگونه‌ایست که باعث اعجاب سخن‌سنان گردیده" است .^۱

۱- دشتی ، علی: "دمی با خیام" ، ص ۱۳۸ - ۱۳۷ .



خیام شاعر، احتمالاً "برای اقناع خویش و انعکاس فریادهای درون و بازگوکردن تفکرات و اندیشه‌های والای خود به‌مددا انتخاب کلمات خوش آهنگ و بدور از سنگینی و عاری از هرگونه "بازیهای لفظی" به‌سرودن رباعی پرداخته است .

شاید بتوان گفت که خیام درد درون خویش را که بازگو-کننده‌ی درد اجتماع و فریاد انسان‌های رنج‌دیده است به‌لباس رباعی و به‌سادگی عرضه داشته و این رباعی‌ها اگر از خیام حکیم باشد براستی: "از حیث فشردگی مطلب، توالی جمله‌های سه مصراع اول که مصراع چهارم ختم آنها را اعلام می‌کند، به‌کلمات قصار می‌ماند".^۱

خیام الگوی مناسبی را ارائه می‌کند تا انسان بتواند آنچه را در ضمیر دارد بیان کند، بنابراین در رباعی‌های خیام: "نظر روشنتری از شخصیت او می‌توان بدست آورد و این نه درمقایسه

۱- دشتی، علی: "دمی با خیام"، ص ۱۳۵ .



با افکار جدید ، بلکه در مقایسه با آثار و افکار و طبایع مردانی که با او معاصر بوده‌اند " ^۱ بدست می‌آید . گرچه مطالعه‌ی آثار همعصران خیام ، نمی‌تواند کاملاً " روشنگر سیمای راستین خیام باشد ، لیکن کمک بزرگی است به رفع ابهام‌ها و کم‌کردن تاریکی‌ها و شناخت چهره‌های متفاوت این دانشمند .

خیام به‌معنی واقعی کلمه شاعر نبوده است و شعر خیام :
 " بیان زندگی شخصی اوست که گاه‌بگاه بر کاغذ می‌آمده است ولی این شعرها برای انتشار یافتن سروده نمی‌شدند " . ^۲

از سوی دیگر : " تردید روا نیست که اشعار خیام در زمان حیات او به‌جهت شرایط خاص مذهبی حاکم ، که قطعاً با تفکر خیام تعارض داشته ، نمی‌توانسته شایع و منتشر گردد " . ^۳

-
- ۱- هارولد لمب : " عمر خیام " ، ترجمه دکتر محمد علی اسلامی ص ۲۶۱
 - ۲- همان کتاب ، ص ۲۶۲ .
 - ۳- شیروانی ، فردین- شایگان ، حسن ، مقاله " سیمای راستین خیام " مجله هنر و مردم ، شماره ۱۲۲ ، ص ۵۰ .



آنچه که تا حدودی محرز بنظر می‌رسد، اینست که خیام از مرحله جوانی تا سنین پیری دربرخوردهای اجتماعی بامشاهده مناظر زیبا و دل‌انگیز طبیعت از دانش و معلومات خود بهره گرفته و ترانه‌هایی سروده است که: "نبایستی دریک میزان فکری باشد، زیرا بشر هرچه بیشتر عمر کند، معرفت او زیادتر و به‌مجهولات واقف‌تر می‌شود و خیام هم از این تکامل عقلی و فکری خارج نبوده" است.^۱

این تحول فکری زمینه‌ساز نگارش رساله‌های مختلف و سرودن رباعی‌هایی با مضمونهای متفاوت گردیده که بی‌شک، بین اندیشه دوران پیری او با نحوه تفکراتش در جوانی تفاوت بارز مشهود است، بنحوی که می‌توان گفت، خیام در دوران کهولت همان افکاری را نداشته که در دوران جوانی اندیشه می‌کرده است:

۱- رباعیات حکیم . . . خیام نیشابوری، انتشارات شرکت سهامی

تحریر ایران، ص ۱۶ .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

"هرچه از سنین عمرش می‌گذشته و مطالعات عمیق‌تری درمطالب علمی و فلسفی می‌نموده، افکارش روبه‌تکامل و بامنطق قاطع‌تری سخن می‌گفته و یقین است اشعاری که در سن سی‌سالگی سروده با اشعاری که در سن هفتادسالگی یا... گفته یکسان نیست".^۱

با این توصیف، رباعیاتی که مضمون شاد دارد و از طبیعت و زیبایی و احتمالاً "سبزه‌ومی و ساقی" ملهم است بایستی مربوط به جوانی خیام باشد. و رباعیاتی که در باب "کائنات، خلقت، زندگی و مرگ" می‌باشد باید در ایام کهولت سروده شده باشد و بنظر می‌رسد که اختلاف مفاهیم در رباعیاتی که بنام خیام ثبت گردیده است مربوط بادوار زندگی و سنین مختلف عمر این حکیم دانشمند و باصطلاح "خیام شاعر" باشد. و به‌هرصورت، بقول هرمان اته "رباعی‌هائی می‌بینیم که..... بحکم آنها شاعر

۱- کتاب "رباعیات حکیم ابوالفتح غیاث‌الدین ابراهیم خیام نیشابوری"، ص ۱۶ - در این مجموعه ۵۵۰ رباعی گرد - آوری شده است.



باشوقی وافر در پی نور قلبی و اکتشاف نفس و وحدت با خالق
می‌گردد".^۱

بنظر من چنین حکمی زمانی امکان‌پذیر است که رباعیات
سروده خیام بر اساس ضابطه‌های معقول و منطقی از بین رباعی‌های
موجود تفکیک و مشخص شود.

۱- هرمان اته، کتاب "تاریخ ادبیات فارسی" ترجمه دکتر رضازاده
شفق، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۳۹.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

وخیام ریاضی دان

از خیام به عنوان یکی از بزرگترین "ریاضیون" قرون وسطی نامبرده شده است . با آنکه مورخان دانشمند اسلامی از تحقیقات جبری او خبری نداشتند ، معذک این بی خبری سبب نا آگاهی دیگر دانشمندان (مغرب زمین) نگشته بود و بالاخره نام بلند - آوازه این فیلسوف در اواخر قرن نوزدهم میلادی جای خود را در تاریخ " ریاضیات " باز می نماید و رساله ی وی در جبر در شمار



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

یکی از برجسته‌ترین آثار "قرون وسطائی" در این علم شناخته می‌شود^۱ ولی افسوس که: "... در اروپا هم وقتی جلب توجه کرده که از لحاظ بسط علوم ریاضی فاقد هرگونه ارزشی بوده است."^۲

خیام از طرف ملکشاه سلجوقی در سال ۴۶۷ هـ به عنوان بزرگترین منجم زمان خود به‌رصدخانه "مرو" گماشته شد، و به اصلاح تقویم قدیم ایران پرداخت و حاصل این کوشش تقویم "جلالی" بود اما از لحاظ ریاضی: "خیام شهرت پایداری پیدا نمود... استادی او در کتاب جبر و مقابله و کتاب شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس" می‌باشد.^۳

۱- مصاحب، دکتر غلامحسین، کتاب: "حکیم عمر خیام بعنوان

عالم جبر"، انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۱۳۱.

۲- همان ماخذ، ص ۴۰۲.

۳- هرمان اته، "تاریخ ادبیات فارسی"، ترجمه دکتر رضازاده

شفق، ص ۱۳۸.



بهرصورت ، شناسائی حکیم عمر خیام بعنوان "ریاضیدان" بویژه در علم "جبر" امری است قطعی و براساس تحقیقات و نظر محققان غربی ، خیام یکی از بزرگترین ریاضیون قرون وسطی محسوب گردیده است . پایه و بنیان این رای محققان ناشی از این است که:

"در تاریخ ریاضیات ، خیام اول کسی است که به تحقیق منظم علمی در معادلات درجات اول و دوم و سوم پرداخته و طبقه‌بندی تحسین‌آوری از این معادلات آورده است و درحل تمام صور معادلات درجه‌ی سوم منظمًا تحقیق کرده و بحل (در اغلب موارد ناقص) هندسی آنها توفیق یافته ، و رساله وی در علم جبر که مشتمل براین تحقیقات است معرف یک فکر منظم علمی است ، و این رساله یکی از برجسته‌ترین آثار قرون وسطائی و احتمالاً "برجسته‌ترین آنها درین علم است" .^۱

۱- مصاحب، دکتر غلامحسین، "حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر" ص ۴۰۲ .



نظم فکری خیام در مسائل علمی ، موید آنست که "جهان هستی" را از "دیدگاه علمی" نگریسته و ترانه‌هایی هم که سروده است ، بی بهره از مایه علمی نمی تواند باشد ، و اینکه خیام در ترانه‌های خویش زندگی کردن را بموجب عقل توصیه می نماید ، زیربنای همان تفکر علمی و منطقی می باشد .

"مقام دانش خیام لااقل در ریاضیات بسی ارجمند است و گمان می رود که بزرگترین ریاضی دان عصر خود و شاید بتوان گفت ، بزرگترین ریاضیدان دوران نهضت اسلامی است ." ۱

در مورد معادلات درجه سوم : "خیام اول کسی است که آنها را طبقه بندی کرده و برای حل هریک با بکار بردن قطوع

۱- هشرودی ، دکتر محسن ، مقاله‌ی "خیام" ، ریاضی دان شاعر یا شاعر ریاضی دان" ، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ، شماره ۳ سال دهم ، ۱۳۴۲ ، ص ۳۰۹ .



مخروطی قواعدی ذکر می‌کند. اگر ملاحظه شود که این طریقه در واقع طریقه‌ای تحلیلی و هندسی است می‌توان گفت که خیام اول کسی است که هندسه تحلیلی را برای حل معادلات جبری بکار برده است.^۱

معرفی خیام بعنوان "ریاضیدان" مستلزم آنست که پیشرفت علم ریاضی و هماهنگی آنرا با سایر علوم در عهد خیام بررسی نمود. در تاریخ علوم: "دورانی که بنام دوران اسلامی معروف است، مورد تحقیق کافی قرارنگرفته است و بخصوص در ایران اگر از چند تن، که به سابقه‌ی ذوق فطری و علاقه به احیای تاریخ دانشمندان این مرز و بوم برخاسته‌اند چشم‌پوشیم، کاری مهم انجام نگرفته است."^۳

۱- هشترودی، دکتر محسن، مقاله‌ی "خیام"، ریاضی‌دان شاعر یا شاعر ریاضی‌دان، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۳، سال دهم، ۱۳۴۳، ص ۳۰۸.

۲- همان ماخذ، ص ۳۰۵.



از مصنفات خیام در ریاضی رساله‌ایست بنام "شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس" که به شیوه‌ی قدیم تالیف یافته و حاوی اصطلاحات قدیم ریاضی می‌باشد: "... و از خوانندگان معاصر حتی طبقه ریاضی دان نیز کمتر کسی است که با آن طرز و شیوه^۱ بیان و آن مصطلحات انس و آشنائی کامل داشته و از موضوع رساله و اهمیت آن بخوبی واقف شده باشد، قدر کتاب مجهول مانده و حق مولفش بشایستگی گزارده نشده است".^۱

استاد جلال‌الدین همائی محقق بزرگوار و گرانقدر مرقوم فرموده‌اند که رساله یادشده برای تفسیر و توضیح و حل سه مشکل است از بخش کتاب اصول هندسه اقلیدس و از اینکه خوانندگان امروزی اصلاً با اصطلاح "مصادره ریاضی" آشنائی ندارند تعجب نموده و دلیل اینکار را هم تعریف و تفسیرهای ناروا و مغلوط می‌دانند و خود شخصاً "به شرح مفصل لفظ "مصادره" و "مصادرات"

۱- همائی، استاد جلال‌الدین، "خیامی‌نامه"، جلد اول، ص ۱۲-۹.



که از اصطلاحات علم منطق می باشد و بعد به علوم دیگرکشانده شده پرداخته اند و سه مشکل را هم که عبارتند از:

۱- در باره خطوط متوازی .

۲- بحث در ماهیت نسبت و تناسب مقداری .

۳- بحث در "نسبت مولفه" و ذکر قضیه‌یی که مربوط به-

همین موضوع است .

بتفصیل مورد بحث و بررسی و تفسیر قرار داده اند.^۱

استاد همائی در همین کتاب "خیامی نامه" یکی دیگر از

مصنفات ریاضی حکیم خیام را بنام: "شرح المشکل من کتاب

الموسیقی" معرفی نموده و نوشته اند:

"سراغ ندارم که تا امروز هیچ کجا ، حتی اسم این کتاب

را در جزو مصنفات خیام ذکر کرده باشند تا بشرح خصوصیات

۱- همائی ، استاد جلال الدین ، کتاب: "خیامی نامه" ، ص ۱۲



و تعریف مزایای آن برسد".^۱

استاد دلیل خود را در این زمینه نوشته‌ی خود حکیم خیام در مقاله سوم از رساله: "شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس" ذکر کرده‌اند و احتمال می‌دهند که منظور خیام از کتاب موسیقی "مصادرات کتاب موسیقی اقلیدس" باشد.^۲

مقاله‌ی محققانه استاد دکتر محسن هشترودی که در ۲۸ دی ۱۳۴۷ در کیهان چاپ شده و سپس جزء مقالات برگزیده‌های از ۱۰ هزار شماره کیهان در صفحه ۱۳ سه شنبه ۳۱ دی ۲۰۰۰ شاهنشاهی شماره ۱۰۰۶۳ (۱۱ ژانویه ۱۹۷۷) آمده است بسیار گرانبها و سند گویای دیگری است بر اینکه "بسیاری از آثار خیام هنوز پیدا نشده" و خیام شخصیتی است ریاضی دان و: "کشف کتاب بزرگ نجوم خیام شاعر و ریاضی دان نامی ایران پس از ۹ قرن، یکبار

۱- همائی، استاد جلال‌الدین، "خیامی‌نامه"، ص ۳۳۸.

۲- همان ماخذ، ص ۳۳۹.



دیگر جهان را به سوی این سیمای برجسته علم و ادب جلب کرده است .

استاد هشترودی نوشته: "لوریا هویرت دینوا" دانشمند شوروی که پس از تحقیق و بررسی های طولانی اعلام کرد مولف ناشناخته کتاب "مجمع القوانین نجوم" حکیم عمر خیام نیشابوری است ، انظار را متوجه نیمرخ علمی بزرگترین دانشمند قرن یازدهم میلادی در ایران کرد . نیمرخ که همواره تحت الشعاع استشهار شعری خیام بوده است " ۱ .

استاد هشترودی ضمن اشاره به این مطلب که ما فراموش کرده ایم که حکیم خیام ریاضی دان بوده است می نویسد: "در ایران نخستین کسی که بمعنای وسیع کلمه متوجه این امر شد آقای ابوالقاسم قربانی یکی از مدرسین ریاضی است". استاد ضمن شرحی در باره زحمات آقای قربانی در زمینه معرفی دو کار انجام شده ی

۱- روزنامه کیهان شماره ۱۰۰۶۳ سه شنبه ۲۱ دیماه ۲۵۳۵ .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خیام یکی "مثلث پاسکال" و دیگری "دوجمله‌ای نیوتن" می‌نویسد:
 "البته این را آقای قربانی از روی متون دیگری که در دست داشت
 پیدا کرد" اما بعدها "روزنبرگ" استاد هندسه دانشگاه مسکوه
 فارسی هم می‌داند متن اصلی خیام را پیدا کرد و بچاپ رسانید.
 بنا بر این حکیم خیام، نه تنها در علوم ریاضی و علم موسیقی
 بلکه در نجوم هم تبحر داشته است و در سایه دانش دوستی سلطان
 ملکشاه هم در رصدخانه مرو با جمعی از فضلا و دانشمندان به
 مشاهدات نجومی پرداخته و تقویم جدیدی بنام جلالی استخراج
 نموده است.^۱

از اینرو می‌توان خیام را بعنوان یکی از چهره‌های تابناک
 ریاضی به جهانیان معرفی کرد و اگر از کارهای برجسته و چشم‌گیر
 امثال آقایان ابوالقاسم قربانی و دکتر غلامحسین مصاحب و استاد

۱- سایکس سرپرسی، کتاب: "تاریخ ایران"، جلد دوم، ترجمه

فخر داعی، ص ۴۷.



جلال همائی و دکترهشترودی و امثالهم در زمینه معرفی و شناخت حکیم خیام ریاضیدان چشم بپوشیم باید بگوئیم کار ارزنده‌ای در جهت شناساندن خیام ریاضی دان انجام نگرفته است و این کاری است بس دقیق و دشوار و بزرگ که باید به‌صورت روزی عملی شود و چهره تابناک این ریاضی دان پیشرو را با کوشش‌های علمی وی و همچنین کیفیت و ارزش کارهای ریاضی او را به‌جهان معرفی نمایند ضمناً "مستند بنوخته استاد هشترودی در روزنامه اشاره شده کیهان گوینا: آقای قربانی دانشمند ریاضی دان معاصر کتابی در دست چاپ دارند بنام "تاریخ ریاضیات در شرق" و در این کتاب از اهمیت کارهای خیام در ریاضی سخن به‌میان آمده است، که امیدواریم هرچه زودتر چاپ و در دسترس علاقمندان قرارگیرد.



شهرت جهانی خیام

خیام چرا شهرت جهانی پیدا کرده است؟

در باره‌ی شهرت جهانی حکیم عمر خیام گفته‌های متفاوتی

دیده می‌شود، بعضی را عقیده برآنست که فیتزجرالد انگلیسی

(۱۸۰۹ – ۱۸۸۳ میلادی) سبب شهرت و معروفیت خیام شد و

با ترجمه رباعیاتی از خیام که در سال ۱۸۰۹ میلادی برای اولین

بار منتشر نمود، شاعر آزاده ایران را مشهور ساخت.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

عده‌ای را نظر بر آنست که خیام پیش از اقدام فیتزجرالد انگلیسی در نزد اهل ادب و ادب‌دوستان این سرزمین، شهرت بسزائی داشته است و بعنوان عالم ریاضی نیز در دنیای غرب تا حدی معروف بوده است، ولی استشهادهای واقعی خیام بعد از ترجمه آزاد رباعی‌های او وسیله‌ی فیتزجرالد می‌باشد و نویسندگانی را هم عقیده بر اینست که رباعیات خیام موجب معروفیت فیتزجرالد شده است و می‌نویسد:

"شاید بر بنده خرده بگیرند که فیتزجرالد خیام را به دنیا شناساند، سخن بر سر این است که این رباعیات خیام بوده که فیتزجرالد را معرفی کرده، زیرا پیش از رباعیات، نه نامی در اروپا و نه حتی کشور خودش داشته است."^۱

۱- شهولی، عبدالرحیم، "حکیم عمر خیام و زمان او"، ص ۱۳۳.



برای آنکه علل شهرت خیام بیشتر مورد بررسی واقع شود، باید به گفته‌های پیش‌افزود که فیتزجرالد گرچه تعداد هفتاد و پنج رباعی برگزیده را ترجمه کرده و چاپ و انتشار آنها هم حدود دو سال طول کشیده است و وی در خلال چاپ رباعیات، به حک و اصلاح می‌پرداخته است، لیکن علت چنین ترجمه‌ای را وسیله "فیتزجرالد" باید درهماهنگی افکار و عقاید وی با خیام جستجو نمود و اگر رابطه‌ای در زمینه‌ی هماهنگی تفکرات نباشد، چنین گرایش و علاقه‌ای نمی‌تواند بوجود آید.

فیتزجرالد در سال ۱۸۵۷ میلادی خطاب به دوستش "کاول" نامه‌ای نوشته و از این هماهنگی افکار سخن رانده و فصل خزان و پژمرده شدن گل‌های سرخ "بدفورد شیر" **BEDFORDSHIRE** را یادآور "پرپر شدن گل‌های سرخ نیشابور" دانسته است و به گفته خودش "فقط کلام خیام را مرهم دل ریش می‌داند".

"می‌خور که بزیر گل بسی خواهی خفت"

"بی‌مونس و بی‌رفیق و بی‌همدم و جفت"



"زنهار بکس مگو تو این راز نهفت"
 "هرلاله که پژمرد نخواهد بشکفت"^۱

ترجمه‌ای که فیتز جرالده از رباعیات خیام انجام داد، ترجمه‌ای آزاد بود و بگفته خودش: "بسیاری از ابیات اصلی را گرفته و درهم ریخته بود، می‌دانست که با این روش دست به ترکیب سادگی و لطف‌کلام زده است که خود از مهمترین ویژگیهای رباعیات خیام بود."^۲

فیتز جرالده اطمینان نداشت که مردم شعرخوان عهد و ویکتوریا که از افکار بلندپایه خیام بی‌اطلاع بودند باین ترجمه روی آورند و گفته‌های خیام را خلاف دین نشمرند و از سوی دیگر:

-
- ۱- طاهری، دکتر ابوالقاسم، کتاب: "سیر فرهنگ ایران در - بریتانیا"، انتشارات انجمن آثار ملی، شماره ۱۰۰، ص ۱۰۲.
- ۲- همان ماخذ، ص ۱۰۳.



"فراموش نکنیم که آرای جدید و انقلابی داروین و فلسفه بقای اصلح درست در همان سالی انتشار می‌یافت که فیتزجرالد به انتشار ترجمه رباعیات خیام دست زده بود... بهر تقدیر در همان عهدی که با انتشار عقاید داروین طبیعی‌دان انگلیسی طشت اعتبار "اشرف مخلوقات" از بام افتاده بود خوانندگان ترجمه رباعیات ناگهان باشگفتی تمام متوجه شدند که بیش از هفت سده ونیم قبل از داروین چسان حکیم سخن سرای نیشابوری زندگی آدمیزاد را تشریح کرده بود".^۱

یک قطره آب بود و دریا شد
 یک ذره خاک و با زمین یکتا شد
 آمدن تو اندر این عالم چیست؟
 آمد مگسی پدید و ناپیدا شد

۱- طاهری، دکتر ابوالقاسم: "سیر فرهنگ ایران در بریتانیا"، ص ۱۰۳



از سرنوشت ترجمه و اینکه بعلت عدم فروش، مترجم ناچار شد تعدادی را بین دوستان پخش کند و بقیه را هم به یکی از کتابفروشان لندن به رسم امانت از برای فروش بسپارد چشم می‌پوشیم و تنها به نکته مهمی اشاره می‌کنیم و آن موضوع نقد این ترجمه است (ترجمه فیتز جرالذ) که شهرت خیام را عالم‌گیر کرد و مترجمش را هم معروف ساخت.

مترجم که با اندوه و ناامیدی دست‌بگریبان بود و دریافته بود که ترجمه‌اش را هم به کمترین قیمت یعنی "یک پنس" هم نمی‌خرند، خبر نداشت که بفاصله بسیار کوتاهی یعنی:

"در خلال یک هفته چشم سه تن از بزرگان عالم

ادب انگلیس: ریچارد برتون **RICHARD BURTTON**

خاورشناس مشهور - سوین بورن **SWIN BURTON** و روزتی

دوتن از شاعران نامدار آن عهد برترجمه رباعیات خیام

افتاد، همین‌که سوین بورن از خلال اشعار... به عمق فکر

و زیبایی تخیل خیام پی‌برد... بی‌درنگ بسراع مردیث



MEREDITH داستان پرداز و منقد مشهور آن عصر

شتافت نقدی صحیح و ستایشی درخور زحمت مترجم

بزودی مایه پیچیدن آوازه شهرت ترجمه رباعیات خیام در

میان صاحبان ذوق گردید".^۱

این آوازه شهرت برپایه "نقد درست" در اروپا بود و بعد

بآمریکا رسید اما:

"هموطنان خیام و دانش پژوهان هندی قرن‌ها پیش

از او (منظور فیتز جرالدمی باشد) بنا به قریحه و لطافت

ذوق از نسخه برداری و تکثیر و توزیع رباعی، خودداری

نمی‌ورزیدند".^۲

۱- طاهری، دکتر ابوالقاسم، کتاب: "سیر فرهنگ ایران در

بریتانیا"، ص ۱۰۵ - ۱۰۶ .

۲- فرزانه، محسن، کتاب: "خیام شناخت"، ص ۱۳۲ .



کار "نقد درست" ترجمهٔ قسمتی از رباعیات خیام که در آن زمان تحقیقات شایسته‌ای بمنظور تشخیص رباعیات اصیل از رباعیات غیراصیل صورت نگرفته بود (این مساله هنوز هم مورد بحث و بررسی می‌باشد) خیام را بلندآوازه ساخت و افکار عالی او را نشر داد، افکاری که، اکثر مردم با آن موافق بودند ولی شهادت و جرات بیان آنرا نداشتند، چون معتقدات دینی، چنان تفکرات آزاد اندیشان را به زنجیر کشیده بود که بمحض ابراز حقایق، سیل اتهامات: بدبینی، کفری و... بسوی آنان سرازیر می‌شد و مطرود جامعه‌ی زمان قلمداد می‌شدند، با اینحال، در اروپا همینکه شهرت خیام بالا گرفت و مترجم رباعیات خیام معروف شد، معروفترین شاعر دوره بلکه ویکتوریا بنام (آلفرد تنیسن *A. TENNYSON*) در تقریظی به فیتزجرالد نوشت:

"در زبان انگلیسی ترجمه‌ای که زیباتر و الهی‌تر از

این نغمه شرقی و طلایی شما صورت گرفته باشد نمی‌بینم،



رند بزرگوار شما ، عمر ، ستاره‌ایست معادل خورشیدی که
خود را در فضا پرتاب کرده است ، یعنی همه را و بهمه‌جا
روشنائی می‌بخشد و خود تکیه‌گاهی ندارد".^۱

معدک رمز شهرت جهانی خیام را ، علاوه بر نقد ترجمه‌ی
فیتز جرالذ ، باید اندیشه والای خیام دانست که برای زیستن و
زندگانی‌کردن موافق عقل ، معیارهائی ساده و منطقی ارائه‌داده
است .

دستورالعمل خیام ، چنان ساده و عاری از پی‌رایه می‌باشد
که همگان را قابل درک است ، بقول مرحوم رضا فیلسوف :

"سر موفقیّت و رمز اینهمه شهرت و مقبولیت خیام

۱- یکانی ، کتاب : "نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او" ،
انتشارات انجمن آثار ملی ، سال ۱۳۴۲ ، ص ۱۳۰ .



اینست که او معنی زندگانی را بروفق روح تمدن کنونی دریافته و برطبق عقیده مردم متمدن امروزه حل کرده و دستورالعمل‌های اساسی این اعتقاد را ضمن رباعیات خود با بیانات شاعرانه و بلیغی اظهار و اعلام داشته است.^۱

براین اظهارنظرها- می‌بایستی نظرهای مسعودفرزاد محقق دانشمند را هم افزود، ایشان معتقدند که: "طرح انتقادی این منظومه از ابتکارات خود اوست فیتز جرالدهیچگاه در پی آن نبوده است که رباعی را به رباعی ترجمه کند، بلکه خواسته است که این منظومه شرح سرگذشت یکروز تمام و متضمن معرفی جامع از افکار و حالات خیام باشد."^۲

- ۱- یکانی، کتاب: "نادره ایام حکیم عمرخیام و رباعیات او"، انتشارات انجمن آثار ملی، سال ۱۳۴۲، ص ۱۴۴.
- ۲- فرزاد مسعود، کتاب: "پنج گفتار در زمینه ادب و تاریخ ایران"، انتشارات دانشگاه پهلوی، ص ۸۲.



آقای فرزاد در زمینه میزان مطابقت منظومه فیتز جرالده با اصل فارسی، پس از بیان طرح انتقادی و پروراندن طرح مزبور وسیله فیتز جرالده می‌نویسد "ولی فیتز جرالده تصریح کرده است که در بسیاری از موارد چندرباعی فارسی را بایکدیگر مخلوط کرده، براساس مجموع آنها یک‌بند از منظومه خود را ساخته است!"^۱ بهر صورت، شهرت و معروفیت خیام در جهان از حیث شاعری است نه از لحاظ علوم ریاضی و آگاهی وی بر نجوم و با آنکه: "اشعارش را در هر کجا و برای هر کس نمی‌خوانده و تعصبات مذهبی رایج و حاکم او را از خواندن شعر بازمی‌داشته"^۲ معذک در زمینه شاعری شهرت جاوید یافته است و می‌توان گفت که فیتز جرالده انگلیسی در این اشتهاار جهانی سهم بسزائی دارد.

- ۱- فرزاد، مسعود، کتاب: "پنج گفتار در زمینه ادب و تاریخ ایران"، انتشارات دانشگاه پهلوی، ص ۸۲.
- ۲- شایگان حسن - شیروانی فردین، مقاله‌ی: "سیمای راستین خیام"، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۲، ص ۵۰.



باده پرستی خیام

شهرت و معروفیت خیام در داخل و خارج از کشور متأسفانه به بادده‌گساری و ترویج میگساری است و بگمان مردم ناآگاه، حکیم خیام مردی بوده است "میگسار"، "عیاش" و "شهوت‌پرست" و در این بازار آشفته‌ی "برچسب‌زنی" مهرهای نام و ننگ برپیشانی این هوشمند فرزانه، بعضی از اشخاص سودجو هم نام این دانشمند گرانمایه را برای عنوان کار و پیشه‌ی خویش انتخاب کرده‌اند که



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نمونه این بی توجهی به‌چنین شخصیت ارزشمند فرهنگی را در تابلوهائی نظیر: رستوران خیام ، اغذیه‌فروشی خیام ، کباب – فروشی خیام ، آب‌میوه فروشی خیام ، کاباره خیام و در ایران و خارج از این سرزمین می‌بینیم .

پروفسور هانری ماسه می‌نویسد: "در اشعار او مضمون دیگری می‌یابیم که مضمونی خاص و متمایز است و آن عبارتست از "باده پرستی" چگونه ، این مضمون تمایز و اختصاص دارد ؟ از آنجا که عقیدهٔ باده‌پرستی در نزد شاعری که دیانت او رسماً نوشیدن می‌رابرا و حرام کرده‌است ، بروز این عقیده‌کاملاً "غیرمنتظره‌می‌باشد" ^۱ سکوت اهل خرد و دانش و عدم دقت مسئولان صدور پروانه بر پایه نا آگاهی به شخصیت فرهنگی و جهانی این بزرگ‌مرد علم

۱- هانری ماسه ، مقاله "ادبیات فارسی" ، ترجمه‌علی‌اصغر حکمت

۱۹۳۱ میلادی ، مندرج در مجموعه مقالات تحقیقی خاور –

شناسی ، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۴۲ ، ص ۴۶ .



و ادب ، سبب شده است تا نام پیرنیشابور ، این اندیشمندگرا نقدر
 بازیچه‌ی سودجویان می‌فروش شود . نمیدانند که در رباعیات
 اصیل اگر هم احتمالا " صحبت از می و میخانه بمیان آمده ، از
 تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند و هرگاه در رباعیات خیام
 به کلماتی نظیر : " می " برخورد می‌کنیم ، بعید نیست که خیام
 برای مقاصد فلسفی خاص و بهره‌وری از زندگی از این لغات و کلمات
 استفاده کرده باشد و خواهد باین طریق هشدار می‌دهد تا خواب
 غفلت و سرگردانی ما را نرباید . و یا به زبان اهل تصوف ، اگر
 صحبت از می شده منظور محبت الهی است که باید آدمی بمدد
 مجاهده و خدمت به هم‌نوع و دوری از کبر و نخوت و غرور نابجا
 و رعایت تقوی و دیگر اصول لازم و ضرور شایستگی نوپسیدن آنرا
 (بهره‌ور شدن) پیدا کند .

مرحوم فروغی نویسنده و مورخ معروف در این باره می‌نویسد :

" شک نیست که در زبان شعر غالباً " شراب بمعنی فراغ خاطر و
 خوشی یا انصراف یا توجه بدقایق و مانند آنست ، و قتیکه خیام



میگوید دم را غنیمت بدان و شراب بخور که بعمرا اعتباری نیست ، مقصود اینست که قدر وقت را بشناس و عمر را بیهوده تلف مکن " ! .
 آقای علی دشتی نویسنده توانا در زمینه لغات باده و باده گساری که در رباعیات قابل وثوق دیده میشود ، می گوید : " قابل تامل و شایسته توجه ارباب نظر اینست که در رباعی هائی که در مستندات قابل وثوق آمده است امرچنین نیست مثلا " در ۳۱ رباعی مجموعه نزهه المجالس فقط ۵ رباعی هست که از باده گساری دم زده است و در ۱۳ رباعی مونس الاحرار نیز بیش از ۵ رباعی نیست که از می سخن بمیان آمده باشد و در رباعی های مرصاد العباد و تاریخ گزیده و جوینی و وصاف مطلقا " سخنی از باده نیست " .
 آقای دشتی دنباله مطلب و پیرامون موضوع سخن نبودن باده بطور مستقل در رباعی های موصوف میافزاید : " و نکته "

۱- مقدمه مرحوم فروغی بر "مجموعه رباعیات خیام" ، ص ۱۴ .

۲- دشتی ، علی ، "دمی باخیام" ، ص ۱۷۹ .



مهمتر اینکه در هیچ یک از این ده رباعی باده مستقلا" و با لذات موضوع سخن نیست ، بلکه همه جا با تفکری توأم و یا مقرونست به صورتی از انفعالات نفس شاعر"^۱ . و اعجاب انگیزتر آنکه باده ستانی در: " رباعیاتی که ظن اصالت در آنها کمتر می‌رود نیز انگشت شمار است و شاید از پنج شش رباعی تجاوز نکند "^۲ .

در مجموعه مرحوم فروغی و رباعی‌های انتخابی مرحوم صادق هدایت در کتاب " ترانه های خیام " تعداد رباعیاتی که از باده ذکری در آنها رفته شاید از ۱۵ رباعی متجاوز نباشد و منظور از ذکر این مطلب بقول آقای دشتی: " افکار باده نوشی خیام نیست ، بلکه برای رسیدن باین نتیجه قابل توجه است که نسخه‌ها و مجموعه‌ها هر قدر از عصر خیام دور شده است بیشتر محتوی رباعیاتی است که مفاد آن صرفاً " باده گساریست " ^۳ .

۱- دشتی ، علی ، " دمی با خیام " ، ص ۱۸۵ .

۲ و ۳- همان ماخذ ، همان صفحه .



بهر صورت ، ترانه سرایان می پرست ، با سرودن رباعی هائی
 درزمینهی میگساری و باده پرستی (بدون ذکر نام) سبب شده اند تا
 مردم این ترانه ها را از خیام بدانند و او را مردی دائم الخمر و
 سبکسر بشناسند که به اصلی در این عالم معتقد نیست و با همه حتی
 پروردگار توانا نیز سرچنگ و ستیز دارد و گلایه و شکایت را به جائی
 میرساند که از خدای جهان هم بازخواست میکند فی المثل :

ابریق می مرا شکستی ربی
 بر من در عیش را به بستنی ربی
 برخاک بریختی می ناب مرا
 خاکم بدهن مگر تو مستی ربی

یا این رباعی :

ناکرده گناه در جهان کیست بگو؟
 آنکس که گنه نکرده چون زیست بگو؟



من بد کنم و توبه مکافات دهی

پس فرق میان من و تو چیست بگو؟

بازجوئی و پرسش کردن بنده از خدای خود و شکل این داوریه‌ها
میرساند که اینقبیل رباعیات نمی‌تواند از حکیم خیام نیشابوری
باشد و بسیار سطحی و کودگانه می‌نماید .

اندیشمند بلندهمت و والانظری چون خیام چگونه جرات
بازگوئی چنین سخنانی را دارد ، مردیکه به رموز این عالم واقف
است آیا چنین می‌سراید ؟

می‌میخورم و مخالفان از چپ و راست

گویند مخور باده که دین را اعداست

چون دانستم که می‌عدوی دین است

بالله بخورم خون عدورا که رواست

و بقول آقای علی دشتی : " فقط گوینده آن خواسته است شوخی
و ظرافتی بکار برد که باده دشمن دین است ، پس من خون دشمن



دین را میخورم یعنی با یک عمل خلاف شرع به حمایت از شرع
برمی‌خیزم . . . " ۱

باری ، ایندسته رباعی ، بمرور ، طی چند قرن ، بنام "خیام"
بین عامه مردم شهرت یافته است و جمعی از ناشران هم بدون
تحقیق و بهره‌جوئی از نظرات محققان ، این رباعی‌ها را گردآوری
کرده و با انتشار آنها سبب "معروفیت" خیام در این طریق شده‌اند
و مردم غیرمطلع به اعمال خلاف دین و اخلاق نیز ، باده‌گساری و
عیاشی را متذکر به اینقبیل رباعی‌ها نموده ، استدلال کرده‌اند .
جائیکه چنین مرد دانشمندی باده‌گساری کند ، ما چرانکنیم ، زیرا
او بیشتر از ما بکار جهان و گردش لیل و نهار آشنائی دارد و میداند
که جهان را بقائی نیست و بایدخوش بود ، و روبه پیر نیشابور را
دنبال کرد وفی‌المثل این رباعی را هم میخوانند :

۱- دشتی ، علی ، کتاب : "دمی با خیام" ، ص ۱۸۶ .



عید آمد و کارها نکو خواهد کرد
 ساقی می لعل در سبو خواهد کرد
 افسار نماز و پوزه بند روزه
 عید از سر این خران فرو خواهد کرد

ملاحظه بفرمائید ، استعداد شاعری و قریحه و ذوق خدادادی
 چه کارها میکند . تصور می‌رود سازنده این رباعی میخواست با ملامها
 و علمای قشری و متعصبین مذهبی و آخوندهای همه فن حریف بی
 خبر از خدا " تسویه حساب " کند . بنابراین بشیوه مرسوم ، بنام
 خیام متفکر ، بر مخالفان ناخته و خود را هم از اتهام پاک و مبری
 ساخته است .

برای بی اطلاعی و بیسوادی سراینده ترانه مذکور و این قبیل
 ترانه‌ها چه دلیلی بهتر از خود رباعی که بقول آقای دشتی ، " ما
 فراموش می‌کنیم که نوپسندگان جنگ‌ها ممکن است اهل ادب و
 صاحب نظر نباشند . از اینرو التفاتی باین معنی نمی‌کنند که ساقی



می را در سبو نمی‌ریزد ، بلکه از سبو به جام یا مینا می‌ریزد ، پس رباعی نباید از کسی باشد که بارزترین خصوصیات ادبی او استواری ترکیب و درستی بیان است ، به همین دلیل دهها رباعی بنام خیام ثبت کرده‌اند که از لحاظ ادب معیوب و از حیث معنی فرو افتاده است" ^۱.

گویند مخور می که به شعبان نه رواست
 نه نیز (:) رجب که آن‌مه خاص خداست
 شعبان و رجب مه خدایست و رسول
 می در رمضان خوریم کان خاصه ماست

آیا مردی مانند خیام باده‌گسار بوده است؟ آقای دشتی معتقدند: "باده می‌نوشیده است ولی در حد اعتدال... اگر باده را مخل وقار و شان خود می‌دانست لب بدان نمی‌آلود" ^۲.

۱ و ۲- دشتی ، علی ، کتاب: "دمی باخیام" ، ص ۱۸۹ و ۱۹۰.



من می خورم و هرکه چو من اهل بود
 می خوردن من به نزد اول سهل بود
 می خوردن من حق زازل می دانست
 گر می نخورم علم خدا جهل بود^۱

از این رباعی چنین استنباط می شود که گوینده می خواهد
 دانا بودن خدای بزرگ را بر همه‌ی کارهای بندگان بازگوید تا مردم
 از: تزویر - ریاکاری - تظاهر و پنهان سازی دوری جویند .
 شخصیتی مانند خیام که به هوشمندی و فراست ، روشن -
 بینی و نکته‌سنجی معروف است و سخنان حکیمانه می گوید - بر پایه
 حسد و حقد مورد سرزنش واقع می شود و "عصیانگر" و "جاهل"
 نامیده می شود ، به رباعی زیر توجه فرمائید که: " پاسخی است
 از خواجه نصیرالدین طوسی یا افضل‌الدین کاشی " .^۲

۱- انتخاب رباعی‌ها از کتاب "دمی با خیام" می باشد .

۲- دمی با خیام ، ص ۱۹۱ .



آنکس که گنه به نزد او سهل بود
این نکته بگوید ار که خود اهل بود
علم ازلی علت عصیان کردن
نزد عقلا زغایت جهل بود

حاصل آنکه، خیام با شریعت مخالفتی ندارد و ممکنست
احتمالاً "نحوه" فکر او با معتقدات عمومی فرق داشته باشد و می
خوردن راهم (بقول آقای دشتی) در حد اعتدال وسیلهٔ بدانند
از برای رسیدن به مقصود یعنی، کمتر بمرگ اندیشیدن، چون در
فلسفه ادیان اقوام هم مطالعه می‌کند و راه بجائی نمی‌برد شک و
تردید بروجودش مستولی می‌شود و: "معتقدات دسته‌بندی شده
اقوام بشری روح تشنه او را سیراب نمی‌کند و معما برای وی حل
نمی‌شود. . . . با روشن‌بینی، قواعد و قوانینی را که برای نظم
اجتماع برای آسایش روح نگران انسان، برای تعدیل خوی درندگی
بشر وضع شده است می‌ستاید".^۱

۱- دشتی، علی، کتاب: "دمی با خیام"، ص ۱۹۶.



اما خیام ابرمرد زمانه است ، منسوب نمودن رباعیاتی باو که مشوق فسق و فجور باشد و مبانی شرعی را تحقیر نماید ، شایسته نمی‌نماید ، چون اینگونه اعمال صرفاً "درجهت" مشوش ساختن" سیمای راستین خیام صورت گرفته است و بنظر می‌رسد که خیام ، اگر هم در بعضی از رباعی‌ها تظاهر به فسق می‌کند ، هدفش مبارزه با ریا و تزویر و دورویی و دورنگی متعصبان آلوده و عالم نمایان حیل‌گر باشد ، کما اینکه حافظ نیز برای مبارزه "بادستگاه پرتزویر محتسب و همه عاملان نابکاری و بی‌رسمی . . ." ^۱ در بسیاری از ابیات خود تظاهر به فسق می‌کند ، فی‌المثل :

رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود

۱- بهزادی زند دهجردی ، دکتر حسین ، مقاله : "شاعر مبارز - جلوه‌هایی از شعر حافظ" ، مجله دانشکده ادبیات شماره

۸۸ ، ص ۱۰۲ - ۸۶ .



در شب قدر ار سبوحی کرده ام عیبم مکن
سرخوش آمد یار و جامی برکنار طاق بود

زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه‌ء خواسته کردگار چیست؟

به می‌پرستی از آن نقش خود برآب زدم
که تا خراب کنم نقش خود پرستیدن

جام می‌گیرم و از اهل ریا دور شوم
یعنی از اهل جهان پاکدلی بگزینم

بیا که خرقة من گرچه رهن میکده‌هاست
ز مال وقف نبینی به نام من درمی



بر در میخانه رفتن کار یکرنگان بود
خودفروشان را به‌کوی می‌فروشان راه‌نیست



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فلسفه خیام

چند صد سال است که رباعیات خیام (اعم از اصیل – الحاقی و مشکوک) ورد زبان مردم صاحب ذوق و اهل حال است .
رباعیات خیام از لحاظ فلسفی ، آنچنان عمیق و پرمغز و گویاست که براستی حیرت انگیز می باشد . اسرار ازل – راز وجود آفرینش ، معمای هستی و از جمله مسائل فلسفی است که فکر خیام را بخود مشغول ساخته است .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

از دیدگاه خیام: "معمای دهر ناگشودنی است... هرآغازی که برای جهان تصور شود پنداری بیش نیست، فرجام زندگی نیز ناپیدا است".^۱

تلاش خیام در زمینه‌های فلسفی بر محور حل مشکلات و معماها و مجهولات دور می‌زند و سعی او بر آنست که حقایق تلخ را بزبانی ساده و همه‌فهم بیان کند و برای حل معضلات، راه‌حل‌های منطقی و قابل قبول ارائه دهد.

بقول مرحوم صادق هدایت: "خیام سعی می‌کند در ترانه‌های خودش با زبان و سبک غربی، همه این مشکلات و معماها و مجهولات را آشکارا و بی‌پرده حل بکند، او زیر خنده‌های عصبانی و رعشه‌آور، مسائل دینی و فلسفی را بیان می‌کند و بعد راه‌حل‌های محسوس و عقلی برایش می‌جوید".^۲

۱- کتاب: "بزرگان فلسفه"، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۶۹.

۲- هدایت، صادق، "ترانه‌های خیام"، ص ۲۵.



خیام در قالب "رباعی": "تمام مسائل مهم و تاریک فلسفی را که در ادوار مختلف انسان را سرگردان کرده و افکاری را که جبرا" باو تحمیل شده و اسراری را که برایش لاینحل مانده مطرح می‌کند".^۱

این نکات مهم و تاریک فلسفی که صادق هدایت بدانها اشاره می‌کند، نگرانی‌ها، دشواریها، اضطرابها، معماها، یاسها و امیدهایی است که میلیونها انسان را طی قرون و اعصار (حتی عصر حاضر) به "عذاب فکری" دچار کرده است و انعکاسی است از دردها و رنجها و خوشیهای بظاهر فریب که همچنان باقی مانده است.

هدایت کوشیده است تا از خلال رباعیات (هماهنگ با افکار خودش) بارقه‌ی فلسفی را پیدا کند و از این که بتواند آنرا بیابد مایوس است، چنانکه می‌گوید:

۱- هدایت، صادق، "ترانه‌های خیام"، ص ۲۵.



"برای اینکه طرز فکر و فلسفه گوینده رباعیات را پیدا کنیم و بشناسیم ناگزیریم که افکار و فلسفه او را چنانکه از رباعیاتش مستفاد می‌شود بیرون بیاوریم، زیرا جزء این وسیله دیگری در دسترس ما نیست."^۱

علی دشتی نیز بسان صادق هدایت فلسفه‌ی خیام را از رباعیاتش جستجو می‌نماید.

بهر حال، این پی‌گیریها و جستجوها، نشانه آنست که خیام دارای یک اندیشه و سلیقه مخصوص فلسفی می‌باشد و درباره کائنات و جهان هستی با هوشمندی و فراست به مطالعه و نتیجه‌گیری دست می‌زند و مسائل دینی را احیاناً "بدیده تمسخر می‌نگرد. یا به بیان دیگر در مسائل دینی ریاکاری نمی‌کند و به جاهلان عالم‌نما بی‌هیچ ترحمی می‌تازد، چون بقول صادق هدایت:

۱- هدایت، صادق، "ترانه‌های خیام"، ص ۲۵.



"فلسوفی مانند خیام که فکر آزاد و خرده‌بین داشته نمی‌توانسته کورکورانه زیر بار احکام تعبدی، جعلی، جبری و بی‌منطق فقهای زمان خویش برود و به افسانه‌های پوسیده و دام‌های خربگیری آنها ایمان بیاورد".^۱

بنابراین خیام دانشمندان، اندیشه کرده‌است و مثل یک دانشمند، آنچه را مشاهده می‌کرده و با منطق ذهنی او منطبق بوده، بازمی‌گفته و ابائی هم از این بی‌پروائی نداشته است، لیکن در بعضی موارد صریح‌گوئی و پرده‌داری را تبدیل به رازداری و بی‌طرفی نموده و در نوشته‌ها، شیوه علمای طبیعی را پیش‌گرفته است، چنانکه در "نوروزنامه" می‌نویسد: "و ایزد تعالی آفتاب را از نور بیافرید و آسمانها و زمینها را بدو پرورش داد".^۲

۱- هدایت، صادق، "ترانه‌های خیام"، ص ۲۸ - ۲۷.

۲- "نوروزنامه"، بتصحیح استاد مجتبی مینوی، تهران، ۱۳۲۰



اما این روش و شیوه همیشگی و ثابت نیست، فیلسوف رازدار
 زمان ملکشاه، بهنگام ترانه‌سرائی با منطقی کوبنده، افکار بلند
 و روشن خویش را از پرده استتار و حجاب کتمان بیرون می‌ریزد
 و با توانائی ستایش انگیز در انتخاب کلمات مناسب، به‌قوانین
 محیط خود می‌تازد و با خرافات و موهومات آشکارا مبارزه می‌کند و
 بدین‌طریق شیوه جنگ و ستیز با عقیده نادرست در سراسر رباعیات
 بچشم می‌خورد.

از نظرگاه خیام فیلسوف، هستی و پیدایش درمرگ و نیستی
 تجلی می‌نماید و: "راه زندگی به‌سرزمین مرگ منتهی می‌شود که
 خود سرمنزلی مبهم و مرموز است"^۱.
 این ابهام و رمز نیز ارزشی ندارد و تاجائی که پیدایش
 و نیستی با مگسی مقایسه می‌شود:

۱- کتاب: "بزرگان فلسفه"، ص ۱۷۰.



یک قطره آب بود با دریا شد
 یک ذره خاک با زمین یکتا شد
 آمدن تو اندرین عالم چیست؟
 آمد مگسی پدید و ناپدید شد

از مطالعه رباعیات ، بموازات نفی افکار و عقاید علما و
 فقهای زمان او ، باین حقیقت برخورد می کنیم که فیلسوف آزاده
 و روشنفکر ، در نتیجهی پژوهشهای مستمر و تحقیقات سالیان دراز
 عمر باین نتیجه رسیده است که برای درک بعضی از مسائل مهم ،
 فکر بشر محدود است و چنین استدلال می نماید که ما نمی دانیم
 از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت ، آنانکه رفته اند خبری
 نیاورده اند و علاوه ، "اسرار ازل را نه تو دانی و نه من " چه کسی
 می تواند به اسرار پی ببرد ، و گاه همین اسرار معماگونه را هم نفی
 می کند و معتقد می شود که اگر اسراری هم باشد در زندگی چه
 تاثیری دارد؟ و براین پایه: نتیجه می گیرد که چرا انسان بیهوده،



به امید فردای موهوم و ناآمده غصه بخورد و بالاخره: "بهره-گیری از دم‌گذران زندگی را توصیه می‌کند".^۱ چون حقیقت زندگی را جز "دم" چیز دیگری نمی‌داند و با بلندنظری و آگاهی توصیه می‌کند که برای چنین وضع "مضحکۀ" که "زندگی" نامیده شده است، نباید درد و رنج را تحمل نمود و خود را دچار غصه و اندوه کرد. راه‌چاره را در "خودبودن" و "خوش زیستن" می‌داند و اعتقاد دارد: زمانی لذت‌بخش خواهد بود که آدمی از قیید ساخته و پرداخته‌های ذهنی برهد.

از دی که گذشت ، هیچ از او یاد مکن
 فردا که نیامدست فریاد مکن
 بر نامده و گذشته بنیاد مکن
 حالی خوش باش و غم برباد مکن

۱- بزرگان فلسفه ، ص ۱۷۰ .



خیام به قضا و قدر و سرنوشت و آنچه که بوده و خواهد بود
و یا اتفاق خواهد افتاد احتمالا " عقیده داشته و بحث در این
مورد را بی فایده دانسته است ، می گوید :

تا کی ز چراغ مسجد و دود کنشت ؟
تا چند زیان دوزخ و سود بهشت ؟
رو بر سر لوح بین که استاد قضا (قلم) ^۱
روز ازل آنچه بودنی بود نوشت .

بنظر خیام ، زندگی حالتی است بین مستی و هشیاری و در
هشیاری خوشی هائی پنهانند و در مستی و بی خبری عقل دچار
نقصان می شود .

۱- مصرع سوم رباعی یادشده در کتاب "خیام شناخت" روبرسر

لوح بین که استاد قلم آمده است ، ص ۲۱۲ .



تا هشیارم طرب زمن پنهانست
 چون مست شدم درخردم نقصانست
 حالی است میان مستی و هشیاری
 من بنده آن که زندگانی آنست

و بقول شادروان دکتر شریف رحمانی: "مرگ خوابی طرفه می باشد
 ریاکاری بد است".

خیام مردی است دنیا دیده و سرد و گرم روزگار چشیده و
 تجربه اندوخته، می داند فردای نیامده مفهومی ندارد و انسان
 آزاد اندیش، به گذشته‌ی از دست رفته نیز نمی اندیشد و غم مال
 دنیا را هم نمی خورد.

خیام خوش بودن را توصیه می کند، بنظر من خوش بودن
 از دیدگاه خیام فیلسوف، اغتنام فرصت از لحظه‌هاست و انجام
 کارهای سودبخش، کارهایی که چراغ ضمیر را روشن می سازد و
 خاطر آدمی را شاد می کند.



تا کی غم آن خورم که دارم یا نه؟
 وین عمر به خوشدلی گذارم یا نه،
 پرکن قدح باده که معلوم نیست
 کاین دم که فروبرم برآرم یا نه

خیام در باره شک می‌گوید: حال که حقیقت و یقین مکشوف
 نیست، چرا باید عمر با شک و تردید سپری شود "شک و تردید،
 کهنه‌ترین شرنگ غم‌آلودی است که معنای ذهن اهل حکمت را
 آلوده کرده است".^۱

چون نیست حقیقت و یقین اندر دست
 نتوان بامید شک همه عمر نشست
 هان تا بنهیم جام می از کف دست
 در بی خبری مرد چه هشیار و چه مست

۱- زرین کوب، دکتر عبدالحسین، "باکاروان حله"، ص ۱۰۹.



چنین دستورالعملی از سوی خیام برای زندگانی کردن (با فرض صحت انتساب) از آن جهت قابل اجراست که بسیاری از دلخوشی‌ها و سرگرمی‌هایی که انسان بخاطر آنها تلاش می‌کند و فداکاری می‌نماید ، فریبی بیش نیست و خردمندی که در بررسی امور جهان ، از ظاهر بگذرد و با دید باطن از مسائل سطحی عبور نماید و حقیقت اشیاء را بفهمد ، آنوقت پوچی و بی‌اعتباری و سستی همه آنچه را که دل‌انگیز می‌نمود ، درخواهد یافت .

در دهر بر نهال تحقیق نرست
 زیرا که درین راه کسی نیست درست
 هرکس زده‌است دست در شاخی سست
 امروز چو دی شمار و فردا چه‌تخت

بقول دکتر زرین‌کوب ادیب و مورخ نامدار: "درست است که بسیاری از عقاید و بسیاری از سرگرمی‌های ما خلاف عقل و دور از منطق است اما باز دل حکم می‌کند که با این اوهام خوش بودن



لذت دارد و همین لذتست که پاداش رنجهای زندگی است و اگر زندگی بکلی فاقد لذت می‌بود مثل گور سرد و خاموش بود و به رنج زیستن نمی‌ارزید".^۱

با آنکه می‌دانیم، سرانجام آدمی، در خاک تیره جای — گرفتن است، معذک ناچاریم بنحوی خود را سرگرم کنیم چون مرحله کمال برای انسان یکی از مراحل والای زندگی است و اگر زندگی را غایتی باشد، به کمال رسیدن، غایت آن خواهد بود. بنظر آقای دکتر عبدالحسین زرین‌کوب: "غایت زندگی، رونی است، خود زندگی است که غایت و هدف زندگی است، زاین روست که باید زندگی را با هر آنچه سبب توسعه و افزایش آنست جستجو کرد و همان را غایت زندگی دانست... در حقیقت آنچه حس و عقل هر دو به وجود آن شهادت می‌دهد زندگی است".^۲

۱- زرین‌کوب، دکتر عبدالحسین، کتاب "باکاروان حله"، ص ۱۱۲.

۲- همان ماخذ، ص ۱۱۳.



زندگی با همه دردها و رنجها ، ارزش دل بستگی را دارد ،
و همین درد و رنجهاست که آنرا مشخص می کند و خردمند می داند
که این زندگی بی قدر و بها نیست .

جستجوی حقیقت اشیا نظر خیام را بخود معطوف داشته
و در این راه همه مراحل را با ذره بین شک و تردید بررسی و نگاه
کرده و چون ریاضی دان و حسابگر هم بوده به این نتیجه رسیده
است که یک زندگی بهر کیفیت ، بهتر از نابودی و مرگ می باشد.

"فکری که از جستجوی حقیقت اشیا شروع می شود ،
طبعاً" نخست با انفسی بودن علم بشر مواجه می گردد و بعد
از آن وارد ساحت (لادریه) می شود . . . آرام نمی گیرد .
نظری به ماورا می اندازد ، زیرا که تضاد خود یکی از علل
اصلی تداعی معانی بوده و معروفست که اشیا بوسیله اضداد
خود شناخته می شوند و ممکنست انسان شق مثبت (لادریه)
را بنظر آورده ، متوجه شق منفی آن نگردیده و نگوید که



شاید چنین چیزی هم نباشد تا من آنرا ادراک نمایم".^۱

خیام در سایه تحولات فکر و اندیشه به واقعیت انکارناپذیری می‌رسد و آن اینست که: طبیعت متحول و متغیر است که همیشگی می‌باشد: "اما تحول یک انقلاب دوری و رجعی نبوده، بلکه انقلابی است نامتناهی".^۲ مرحوم غمام همدانی در همین زمینه می‌گوید:

دو روز بر سر یک حالت ندیده کسی

از آنکه عالم تغییر جایگاه من است

خیام از این فلسفه تحول و تغییر یا: "حرکت و انقلاب

سرمدی"^۳ برای ساختن رباعی‌ها نهایت استفاده را نموده و با

۱- کتاب "نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او" ص ۲۴۰-۲۳۹.

۲- همان ماخذ، ص ۲۳۴.

۳- همان ماخذ، همان صفحه.



انتخاب کلمات متفاوت ، یک معنی را در چند قالب مختلف باز گفته و برای بیان مقصود هم دچار اشکالی نشده است .

خیام که در یک خانواده متدین پرورش یافته است و ضمیرش از اوان کودکی با مسائل دینی و اخلاقی آشناست و در مکتب آموزگاری مسلمان و باتقوی و با ایمان همچون امام موفق نیشابوری تربیت شده است از مذهب روی گردان نیست و نمی تواند باشد.

کنه خردم در خور اثبات تو نیست
و اندیشه من بجز مناجات تو نیست
من ذات ترا بواجبی نشناسم
داننده ذات تو بجز ذات تو نیست

ای باقی محض، بافنائی؟ که نی
هرجا نه و کدام کجائی که نی؟
ای ذات تو از جا و جهت مستغنی
آخر تو کجائی و کجائی که نهئی؟



سراینده این رباعیات چطور می تواند پای بند اصول و مبانی دینی نباشد ، رباعیات بالا بر مبنای مذهب لاادریه که یک مذهب فلسفی است ساخته شده که شرح آن باجمال و اختصار چنین است :

" . . . عقل بشر فقط می تواند حادثات را ادراک نماید ، علم بشر اضافی و انفسی است ، بخارج از این دایره نمی تواند نفوذ و سرایت کند ، آدمی هر قدر کامل و هر اندازه عاقل باشد باز هم ممکن نیست که حقیقت اشیاء را دریابد علی الخصوص بذات باری تعالی که حقیقه الحقایق است ، از هیچ راهی نمی توان پی برد ، فقط ممکن است که باستناد استدلال بآثار آفرینش ، بوجود آفریدگار مطلق . . . باور کرد و ایمان آورد " .^۱

۱- کتاب " نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او " ، ص ۲۲۶ .



خداوند بالا و پستی توئی ندانم چهئی، هرچه هستی توئی
(فردوسی)

اقرار و اعتراف به اینکه چیزی هست و عقل ما عاجز از ادراک
حقیقت آن است ، مبتنی بر پایه دین و ایمان است و اگر ظاهر
گفته‌های موجود خیامی بوی مخالفت با شرع را می‌دهد ، دلیل
بی‌دینی او نیست ، بلکه مخالفت با رفتار مردمی است که بظاهر
مسلمانند و ادعای مسلمانی دارند ولی اعمالشان خلاف دین است.
خیام از دیدن چنین اوضاع اسفانگیزی متأثر می‌شود اما
دین را نفی نمی‌کند چون بنظرش می‌رسد که از نظر اجتماعی "دین"
برای جامعه ضروری می‌باشد .

فیلسوف بزرگوار ما خیام که به مسائل دینی آشنا است بلحاظ
کسب علم و معرفت و تجربه‌اندوزی و تحقیق در کارهای نجومی
و ریاضی و بررسی حالات ستارگان و عظمت جهان هستی ، دریای
فکر و اندیشه‌اش متلاطم می‌گردد ، به بحر تعقل و تفکر فرومی‌رود
و شک و حیرت وجودش را فرامی‌گیرد ، از برای پرسشهای منطقی



ذهن جستجوگر خویش، پاسخهای قانع‌کننده‌ای نمی‌تواند بیابد، ناچار در برابر عظمت و شکوه جهان آفرینش احساس حقارت می‌کند و مطالبی را اظهار می‌دارد.

خیام پرسشهای حیرت‌انگیز و نظرات فلسفی خویش را در قالب رباعی بابیانی ساده، شیوا، روان و بی‌تکلف پیاده ساخته است و مردمان نادان زمان هم که غیر از خود کسی را عالم نمی‌دانستند، غوغای تهمت و افترا را از هرسو بلند نموده و فرق دینی گفته‌های خیام را بواسطه مغایرت با "دانسته‌های" خودشان کفر پنداشته و چوب تکفیر او را زده‌اند.

بهر حال — فلسفه‌ی خیام که بر پایه مذهب لاادریه مثبت می‌باشد، طبیعت توانا را با جلال و شکوهش می‌پذیرد، و زیبایی طبیعت را سرمشقی برای زندگی معرفی می‌کند.

درست است که انسان در آمدن و رفتن اراده‌ای ندارد، و آدمی همیشه در حال جستجو و پرسش می‌باشد، اما زیبایی نیز در همین سرگردانیها، جستجو و پرسشهاست.



زندگی یکنواخت عاقبت کسالت آور و ملال انگیز خواهد شد ،
زیبائی زندگی برپایه همین تحول و تبدلات و این تغییرات مستمر
و مداوم بنا شده است که مرد دانا از آن عبرت گیرد و ارزش
لحظه‌ها را بداند و با همه وجودش لذت برد .

[@caffeinebookly](https://twitter.com/caffeinebookly)[caffeinebookly](https://plus.google.com/caffeinebookly)[@caffeinebookly](https://www.instagram.com/caffeinebookly)[caffeinebookly](https://www.linkedin.com/company/caffeinebookly)t.me/caffeinebookly

معیار ساخت رباعیات اصیل خیم

با تحقیقات مفصلی که از سوی محققان و ادبا معروف کشور،
همچنین خاورشناسان خارجی تا بحال صورت گرفته و بقولی تعداد
این مقالات از هزار هم گذشته و علی دشتی نویسنده معروف شماره
آنها را به بیش از دوهزار "کتاب و رساله و مقاله" ذکر نموده است
معدک:

"بیرون کشیدن رباعیات اصیل خیم از این بازار"



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مکاره کارآسانی نیست" ۱.

چون کارجمع آوری رباعیات خیام در زمان حیاتش یا لااقل پس از گذشت مدتی کوتاه صورت نگرفته است و معاصرین خیام هم با آنکه "بمناسبتی از او نامی برده‌اند ، باینکه خیام شعری گفته است اشاره‌ای نکرده‌اند" ۲.

بنابراین هرچه از زمان خیام دورتر می‌شویم ، منابع مورد اعتماد کمتر می‌یابیم و معمولاً هم معقول بنظر نمی‌رسد که برای یافتن رباعیات اصیل خیام ، کتبی را مطالعه کنیم که متجاوز از دوپست سال پس از وفات خیام تالیف شده است ، و بقول محمد مهدی فولادوند :

"خلاف احتیاط است که یک شاعر قرن پنجم هجری را ما در قرن هشتم یا بعبارت ساده‌تر ، خیام را در اوائل

۱ و ۲- دشتی ، علی ، "دمی باخیام" ، ص ۷ .



زندگی حافظ جستجو کنیم" ۱.

براین اساس، باید کتبی مورد مطالعه و بررسی واقع شود که فاصله زیاد با مرگ خیام نداشته باشد.

از سوی دیگر، وجود رباعیاتی چند در کتب و ماخذهای قدیم هم نمی‌تواند، راه‌گشای این مشکل، یعنی تشخیص رباعیات اصیل از رباعیات غیراصیل یا "الحاقی" باشد و برای اینکار نیز نیاز به معیار و ضابطه‌ای "عقلانی" احساس می‌شود.

در زمینه تشخیص، آقای علی دشتی علاوه بر رعایت اصول موجه و معقول، در نظر گرفتن سبک‌سخن را در قرن پنجم یادآوری نموده و: "وضع اجتماعی و حالت روحی خیام را نیز یکی از جهات تحقیق" ۲ می‌داند و مهمتر از همه "شناسائی شخصیت معنوی

۱- فولادوند، محمد مهدی، "خیام شناسی"، ص ۶.

۲- دشتی، علی، "دمی با خیام"، ص ۱۱.



خیام^۱ را متذکرند.

شخصیت فاضل و دانشمندی چون مرحوم فروغی، ماخذ تحقیق در اینباره را کتابهایی قرارداده‌اند که: "پیش از قرن نهم هجری تالیف شده"^۲ و رباعیاتی را که از کتب تالیف شده پیش از قرن نهم همچون مرصادالعباد - جهانگشای جوینی - تاریخ گزیده - نزهه المجالس - مونس الاحرار و... استخراج نموده‌اند و بنظر استاد جلال‌الدین همائی محقق ارزشمند: "۵۳ رباعی می‌باشد که به عقیده فروغی همه از رباعیات اصیل مسلم خیام است و تشکیک در آنها بی‌مورد است"^۳.

و بالاخره مقدار رباعی‌های اصیل بنظر مرحوم فروغی به ۶۶ رباعی می‌رسد، لیکن استاد همائی با نظری موافق نمی‌باشد

۱- دشتی، علی، "دمی باخیام"، ص ۱۴.

۲- همان ماخذ، ص ۱۱.

۳- همائی، جلال‌الدین، "طربخانه"، ص ۴۱، زیرنویس.



و عقیده‌مند است: "که پاره‌ای از آن ۵۳ رباعی در همان نوع
مآخذی که مورد استناد و اعتماد ایشان بود بنام گویندگان دیگر
ثبت شده است".^۱

استاد همائی در زمینه تشخیص و شناخت رباعیات اصیل
ضابطه‌ای بدست نداده می‌گویند:

"چیزیکه هست و نکته‌ی اساسی که باید در این راه
رعایت کرد این است که شرائط اعتماد و استناد در نسخه
مورد رجوع موجود باشد، یعنی نباید به هر نسخه و هر
مجموعه‌ئی اطمینان داشته باشیم و نوشته‌های او را بی چون
و چرا بپذیریم . . . همچنین اکثر تذکره‌ها و مجموعه‌های
متاخران قابل اطمینان نیست. از طرف دیگر هرگاه در
نسخی معتبر از دوا این و مجموعه‌های قدیم یا برسبیل مماشات

۱- همائی، جلال‌الدین، "طربخانه"، ص ۴۲.



مثلاً" در همان نزهه‌المجالس و مونس‌الاحرار که از اسناد قاطع خود فروغی است یک رباعی بنام گوینده دیگر غیر از خیام ثبت شده باشد، چطور می‌توانیم بازهم آن رباعی را از گفته‌های مسلم خیام محسوب کنیم . مگر آنکه سندی معتبرتر که آن نیز از نسخ دواوین و مجموعه‌ها خارج نیست داشته باشیم و به‌قاعده تعادل و ترجیح فن اصول عمل کنیم".^۱

استاد همائی ، شرط اساسی این قبیل تحقیقات و تتبعات را "داشتن ذوق و طبع سلیم و خبرت و بصیرت ادبی" بویژه در "فن شعر و شاعری" دانسته و توصیه کرده‌اند که "به‌ظواهرنسخ"^۲ اکتفا نشود .

از مرحوم فروغی و استاد همائی که بگذریم ، آقای یکانی

۱- همائی ، جلال‌الدین ، "طربخانه" ، ص ۴۸ - ۴۷ .

۲- همان ماخذ ، ص ۴۸ .



راه شناخت رباعیات اصیل را پس از اشاره به این نکته که: " برای تنقیح رباعیات خیام از رباعیات دیگران چندین راهی از طرف دانشمندان در پیش گرفته شده"^۱ می‌گوید: "نخست آنکه رباعیاتی که در جنگها و سایر کتابها بنام دیگران ثبت شده از میان رباعیات خیام خارج گردیده و بحساب او گذاشته نشود طریق دیگر آنست که فقط بمندرجات قدیمترین نسخه‌ای از آنها اکتفاورزیده و صرفنظر از نسخ دیگر گردد راه سوم اینست که رباعیات مندرج در موثق‌ترین ماخذا جمع‌آوری و فکر و فلسفه و سبک‌شاعر از روی آنها تشخیص داده شده و فقط رباعیاتی که موافق آن سبک و فکر و فلسفه بنظر می‌رسد بعنوان ریاضیات اصیل خیام پذیرفته شود."^۲

آقای یکانی، روش آخر را که از مرحوم فروغی می‌باشد خالی

۱- یکانی، کتاب: "نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او"،

ص ۳۰۴ - ۳۰۵ .

۲- همان ماخذ، ص ۳۰۴ - ۳۰۶ .



از نقص نمی‌داند و با آنکه ایرادی چند بر این روش دارد مع الوصف خود نیز آخر الامر با همین راه سوم موافق است، نویسنده مذکور "صحت و اصالت" اثر را همانطور مهم میدانند که "جامع بودن" آنرا و بعد از مطالبی در زمینه‌ی سعی و اهتمام در صحت انتساب اشعار و پیدا کردن و فراهم نمودن همه اشعار یک شاعر و تاکید بر این مطلب که: "برای هیچ محقق و منتبعی روانیست که در موقع تحقیق و تتبع فقط یکی از این دو امر مهم را در نظر گرفته و از دیگری غفلت ورزد"^۱ می‌نویسد: "و تنها طریق صحیح وصول بدین مقصد و برام، بازهم منظور داشتن اصل معمول و متداول قدمت نسخ مجموعه‌های رباعیات و سایر ماخذهای آنهاست."^۲

لیکن در میان پژوهشگران عصر حاضر آقای محمد مهدی فولادوند، باصراحت بیشتر، معیاری از برای شناسائی رباعیات

۱- یکانی، کتاب: "نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او"،

ص ۳۰۷ .

۲- همان ماخذ، همان صفحه.



اصیل ارائه داده است ، این معیار و ضابطه شناسائی ، ابتداءً با موازین خاص به چهار دسته تقسیم شده است :

۱- رباعیات عمر خیام .

۲- رباعیات خیام واریا خیامی .

۳- رباعیات تقلیدی و مکتب خیام :

۴- رباعیات غیرخیامی یا متفرقه.^۱

آقای فولادوند سپس برای شناخت رباعیات اصیل چهار

شرط را ذکر نموده است :

۱- اربعه الارکان بودن

بنظر ایشان : " مقصود از چهار رکن ، تنها داشتن چهار

مصراع نیست ، بلکه غرض اینست که باید چهار رکن مستقل عقلانی

یافکری داشته باشد . در زبان پارسی اکثر رباعیات دو یاسه رکنی

است و رباعیات چهار رکنی در واقع انگشت شمارند .^۲

۱ و ۲- فولادوند ، محمد مهدی ، "خیام شناسی" ، ص ۷ و ۱۱ .



نویسنده این شرط را یکی از شروط مهم ذکر نموده و آنرا "کلید شناسائی بسیاری از رباعیات خیام دانسته است و توصیه می‌کند که از این کلید نباید غفلت نمود .

در باره شرط دوم تشخیص رباعیات خیامی از غیرخیامی نویسنده: "شکلی کم‌وبیش منطقی یا شبه‌استدلالی آنها را میداند" و عقیده دارد که: "این شرط مهم غالباً جزء لاینفک شرط نخستین است، زیرا دماغی که طبعاً با استدلال و تفکر خو کرده می‌کوشد تا اندیشه خود را با چهار عبارت مستقل که هریک واجد فکری مشخص را تشکیل می‌دهد بیان کند".^۱

بنابراین توضیح شرط دوم – شکل کم‌وبیش منطقی یا شبه استدلال رباعیات است .

شرط سوم – "غلبه معنی بر لفظ" و شرط چهارم هررباعی خیام وار لااقل متضمن یکی از مفاهیم: "پرسش – شک، اعتراض،

۱- فولادوند، محمد مهدی، "خیام شناسی"، ص ۱۲ .



عصیان - تحدی و استهزا است ، البته نه بصورت عامیانه ، بلکه ادیبانه " ۱ .

مشارالیه شرط پنجمی نیز بنام آخرین شرط از شروط مذکور قائل شده که آن را اغتنام " دم " و " وحشت " و " اندوه مرگ " دانسته معا " یا به تنهائی ومی گوید " نمونه های بسیاری از اینگونه رباعیات در جهانگشا و وصاف می یابیم " ۲ .

بنظر حقیر ، پیدا کردن همه این شروط ، درهریک از رباعیات امکان پذیر نخواهد بود ، و خوشبختانه آقای فولادوند هم معتقدند :
" همینکه ترانه ئی واجد چهار صفت پنجگانه بود کافی است آنرا خیامی یا خیام وار تلقی کنیم " ۳ .

اینک ، برای آنکه بشیوه " کاربرد " شروط یاد شده بنحویکه آقای فولادوند از برای شناخت رباعیات اصیل از آنها استفاده کرده اند آشنائی حاصل شود ، رباعی زیر را که ایشان ذکر کرده اند

۱۲ و ۳ - فولادوند ، محمد مهدی ، " خیام شناسی " ، ص ۱۲ .



می آوریم :

ابرآمد و زار برسر سبزه گریست
 بی باده گلرنگ، نمی شایدزیست
 این سبزه که امروز تماشاگه ماست
 تا سبزه خاک ما تماشاگه کیست

بنظر آقای فولادوند رباعی بالا: "اولا" اربعه ارکان است
 و گوئی این ترانه زیبا منظره‌ای است دلکش و اندوه‌بار که از چهار
 چشم‌انداز فرعی و در عین حال مستقل، ترکیب شده است، این
 رباعی واجد شرط سوم نیز هست یعنی سرشار از صفتی است . .
 ترجمان درام زندگی نیز هست و شرط چهارم ولی فاقد شرط
 دوم است و چنانکه گفتیم "طبعا" رباعی توصیفی ناظر با استدلال
 نمی‌تواند باشد، مع الوصف این رباعی را می‌توان خیامی دانست
 ولو اینکه از خیام نباشد زیرا چهار شرط ترانه‌های خیام‌وار را
 واجد است."



در تشخیص رباعیات اصیل به نکته‌ای نیز باید توجه شود و آن نکته اینست که خیام منجم بوده و احتمالاً از اصطلاحات خاص نجوم در بیان مقاصد خود استفاده کرده است، در واقع: "اصطلاحات خاص نجوم وسیله و راهی است برای گرفتن ردبعضی از رباعیات" و آقای فولادوند متذکرند که: ما از همین راه‌بخوشه پروین یعنی هفت رباعی نجومی خیام رسیده‌ایم.^۱

نمونه دیگری از رباعیات اربعه‌ارکان (چهاررکنی) که مورد بررسی آقای فولادوند قرار گرفته است رباعی زیر می‌باشد:

ای آنکه تودر زیر (= نتیجه) چهارهفتی
وز هفت و چهار دائم اندر تفتی
می خور که هزار بار بیشتر گفتم
باز آمدنت نیست، چو رفتی، رفتی

۱- فولادوند، محمد مهدی، "خیام‌شناسی"، ص ۱۳.



دلالتی که در باره این رباعی از لحاظ اربعه‌الارکان بودن ذکر شده است چنین است:

"طبعا" اربعه ارکان (شرط اول) و سرشار از معنی
 (شرط سوم) و متضمن اعتنام دم (= دعوت بعیش خوش)
 (شرط پنجم) می باشد و ضمنا" عاری از طنز و ریشخند و
 خالی از اعتراض و تخطئه نیست (شرط چهارم) پس این
 رباعی جمعا" واجد چهار صفت از خصائص پنجگانه شد و
 می توان آنرا خیامی دانست تا از خیام بودن آن ثابت شود!"

بهر حال ، نویسندگان ، پژوهشگران ، متفکرین و ادبا هر یک
 از دید خویش و با الهام از اندیشه و جوش درون ، درباره‌ی خیام
 این پیر "سخت‌کوش نیشابور" و متفکر آزاداندیش جهان، مطالبی
 نوشته و در این نوشته‌ها سعی کرده‌اند که استنباط خود را در
 قالبی زیبا و آراسته بیان کنند و مشتاقان و علاقمندان خیام را

۱- فولادوند ، محمد مهدی ، "خیام‌شناسی" ، ص ۲۵ .



به‌وجود و حال آورند ، و با این اعتقاد است که می‌بینیم صادق هدایت هم طرفدار نسخه قدیم است و می‌گوید: "تا وقتی که یک نسخه خطی که از حیث زمان و سندیت تقریباً" مثل رباعیات سیزده‌گانه کتاب مونس الاحرار باشد بدست نیامده ، یک حکم قطعی در باره ترانه‌های اصلی خیام دشوار است"^۱ و علاوه بر نسخه قدیم از صفاتی همچون: مشرب بخصوص خیام - مسلک فلسفی - عقاید و طرز بیان آزاد و شیرین و روشن"^۲ هم که می‌تواند معیاری از برای شناخت رباعیات اصیل باشد نام می‌برد .

هدایت با چنین رویه‌ای در انتخاب رباعی‌ها، تعداد ۱۴۳ رباعی را با عناوین زیر طبقه‌بندی کرد اما صادقانه بعضی از این رباعیات را هم غیراصیل یا مشکوک دانسته است .

۱- راز آفرینش از ۱ الی ۱۵ رباعی .

۲- درد زندگی از ۱۶ الی ۲۵ رباعی .

۱ و ۲- هدایت ، صادق ، "ترانه‌های خیام" ، ص ۲۳ .



- ۳- راز ازل از ۲۶ الی ۳۴ رباعی .
- ۴- گردش دوران از ۳۵ الی ۵۶ رباعی .
- ۵- ذرات گردنده از ۵۷ الی ۷۳ رباعی .
- ۶- هرچه بادا باد از ۷۴ الی ۱۰۰ رباعی .
- ۷- هیچ است از ۱۰۱ الی ۱۰۷ رباعی .
- ۸- دم را دریا بیم از ۱۰۸ الی ۱۴۳ رباعی .

که ما را برای آشنائی بیشتر با طرز فکر این نویسنده معروف و ارتباط و پیوند تفکرات او با رباعیات انتخابی از هریک از طبقه بندی های وی - یک رباعی می آوریم :

۱- راز آفرینش :

از آمدنم نبود گردون را سود
وز رفتن من جاه و جلالش نفزود ،
وز هیچکسی نیز دو گوشم نشود ،
کاین آمدن و رفتنم از بهر چه بود.



۲- درد زندگی :

گر آمدنم بمن بدی نامدمی .
ور نیز شدن بمن بدی کی شدمی ؟
بهزان نبدی که اندرین دیر خراب ،
نه آمدمی ، نه شدمی ، نه بدمی .

۳- از ازل نوشته :

تاکی ز چراغ مسجد و دود کنشت ؟
تاکی ز زیان دوزخ و سود بهشت ؟
رو بر سر لوح بین که استاد قضا ،
اندر ازل آنچه بودنی ، بود نوشت .

۴- گردش دوران :

یک چند به کودکی به استاد شدیم
یک چند ز استادی خود شاد شدیم



پایان سخن شو که ما را چه رسید
چون آب برآمدیم و چون باد شدیم

۵- ذرات گردنده:

از تن چو برفت جان پاک من و تو،
خشتی دو نهند برمغاک من و تو،
و آنکه ز برای خشت گور دگران،
در کالبدی کشند خاک من و تو.

۶- هرچه بادا باد:

گویند که دوزخی بود عاشق و مست،
قولی است خلاف، دل در آن نتوان بست،
گر عاشق و مست، دوزخی خواهد بود،
فردا باشد بهشت همچون کف دست.



۷- هیچ است :

دنیا دیدی و هرچه دیدی هیچ است
و آن نیز که گفتی و شنیدی هیچ است
سرتاسر آفاق دویدی هیچ است
و آن نیز که در خانه خزیدی هیچ است

۸- دم را دریابیم :

شادی بطلب که حاصر عمر "دمی" است
هرذره ز خاک ، کیقبادی و جمی است
احوال جهان واصل این عمر که هست
خوابی و خیالی و فریبی و "دمی" است

از دیگر کسانی که در زمینهٔ شناخت رباعیات اصیل ، پژوهش
و تحقیق نموده‌اند آقای حسن دانشفر می‌باشد که با توجه به شیوه
تحقیق ایشان ، معیار شناخت رباعیات خیام را می‌توان "ذوق



شخصی " دانست ، بدین معنی که بیش از ششصد رباعی منسوب به حکیم عمر خیام را که از اواخر قرن ششم هجری تا نزدیک اواخر قرن نهم بنام عمر خیام ثبت شده است مورد بررسی قرار داده و می نویسند :

"معیار تفکیک این رباعیات خصوصیات لفظی و معنوی یازده رباعی از سیزده رباعی مونس الاحرار و سه رباعی دیگر که در مرصاد العباد و جهانگشا بنام خیام ضبط گردیده می باشد ، ضمناً از ویژگیهای دیگر رباعیات انتخاب شده نیز تدریجاً در تطبیق و مقابله بقیه اشعار منسوب به خیام استفاده شده است " .^۱

اما استاد علامه آقای مجتبی مینوی در مقدمه کتاب ایشان

۱- دانشفر ، حسن ، کتاب : "درباره رباعیات عمر خیام " ، سال

۱۳۵۲ ، ص ۱۳ .



نوشته‌اند: "اساس عمده این کار ایشان "ذوق" بوده است همه رباعی‌هائی را که در مجموعه‌های قدیم آمده است و همه نسخه‌های چاپ شده اخیر را مطالعه کرده باهم سنجیده و میزانی مبتنی بر ذوق وضع کرده‌اند و رباعی را از آن معیار گذرانده‌اند".^۱

وبالاخره استاد مینوی هم عقیده دارند که تشخیص رباعیات خیام از سایر رباعیات امری است محال و چنین مرقوم فرموده‌اند:

"باید یقین داشت که بسیاری از مردم ایران هر — رباعی را که پسند ذوق ایشان می‌افتاده و خیال می‌کرده‌اند که باید از خیام باشد بنام او ثبت کرده‌اند، بطوری که محال است بتوان تشخیص داد کدام رباعی از چه کسی است و کدام رباعی‌ها از خیام".^۲

۱- دانشفر، حسن، کتاب: "درباره رباعیات عمر خیام"، سال

۱۳۵۲، ص ۱۱ .

۲- همان ماخذ، ص ۱۵ .



.... باز هم کلید

عقاید تنی چند از صاحب‌نظران و خیام‌شناسان، در باره‌ی شناخت رباعیات اصیل خیام و معیاری که کار تشخیص را آسان سازد، مورد بررسی قرار گرفت و همانطور که ذکر شد، هر محققى در این زمینه عقیده‌ای را اظهار نموده بود. و چون اظهار عقیده آزاد است، شاید بتوان از مجموع نظرات و عقاید ابراز شده، طرحی هرچند ناقص اما "راه‌گشا" پیاده ساخت.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در بحث پیش، تا حدودی باشیوه شناخت رباعیات اصیل از سوی آقای دشتی آشنا شدیم و اینک دنباله مطلب را ادامه می‌دهم. تا احتمالاً ضابطهای روشن برای ترسیم سیمای خیام از خلال رباعیاتش پیدا کنیم.

آقای دشتی، علاوه بر نظراتی که بدانها اشاره شد، با انتخاب رباعیاتی از کتبی مانند: نزهة المجالس و سندبادنامه و... و نقد و تحلیل آنها، باور دارند که این رباعیات منتخب می‌تواند کلیدی از برای شناخت و تشخیص رباعیات اصیل باشد، و علاوه، سیمای خیام را هم یکی از راههای شناخت: "لا اقل رباعیاتی که ظن اصالت آنها بیشتر است" می‌دانند. البته سیمای شخصیتی که در ذهن آدمی بامشخصات ویژه ایشان جلوه‌گر شود. شخصیت مورد نظر آقای دشتی: دانشمندی است که حکمت و ریاضیات و علوم متداول زمان خود را مانند: طب و نجوم، ادب فارسی، عربی می‌داند و به تفسیر و حدیث هم مسلط است. این دانشمند، مردی است جدی، باوقار که کارهای علمی را با



پشتکار دنبال می‌کند و هیچ نوع سهل‌انگاری و مسامحه "باخوی متین او" سازش ندارد، ضمن اینکه کم حرف است و در خودفرو رفته از ورود درمباحث فلسفی و بیان اظهار عقیده اجتناب می‌کند و در رساله‌های فلسفی فقط به ذکر آراء فلسفه ابن سینا اکتفا می‌نماید و بهوی هم ارادت دارد و او را استاد خودش می‌داند، "مثل اینکه در بست آراء فلسفی او را مطابق فکر خویش یافته‌است".^۱

چنین شخصیت بلند پایه‌ای مسلماً "دارای مناعت طبع و عزت نفس هم هست و از افزون طلبی برکنار و معاشرتش محدود بمبزرگان دانش‌پرور و اهل کمال و معرفت می‌باشد، و بهزیبائی‌ها هم باید حساسیت داشته باشد و

تصویر چنین سیمائی از خیام حکیم، سیمای دانشمندی است برجسته و شاید "کم نظیر" نمونه رباعی‌های "کلید" که آقای دشتی از مرصادالعباد، مونس‌الاحرار و تاریخ جهانگشا

۱- دشتی، علی، "دمی باخیام"، ص ۲۰۹ - ۱۱۰ .



انتخاب نموده‌اند چنین است .

۱- دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست
از بهر چه او فکندش اندر کم و کاست
گر خوب نیامد این بنا عیب کراست
ور خوب آمد ، خرابی از بهر چراست ؟

کتاب التبیه - مرصادالعباد

۲- این بحر وجود آمده بیرون ز نهفت
کس نیست که این گوهر تحقیق بسفت
هرکس سخنی از سر سودا گفتند
ز آنروی که هست ، کس نمیداندگفت

مونس الاحرار

۳- اجزای پیالهای که درهم پیوست
بشکستن آن روا نمی‌دارد مست



چندین سروپای نازنین از برودست

در مهرکه پیوست و بکین که شکست^۱

تاریخ جهانگشا - تاریخ و صاف

(در باره ترکیب کلمات همین رباعی‌ها بویژه رباعی یک و سه هم حرفی داریم که بموقع گفته خواهد شد) . اما نتیجه‌ای که نویسنده و محقق ارجمند از ذکر رباعیات یادشده و ماخذهای منظور می‌گیرد اینست که:

"از مجموع این ۳۵ رباعی که در انتساب آنها به‌خیام اطمینان بیشتری حاصل است (زیرا در همه ماخذ معتبر آمده و بعدها در اکثر نسخه‌ها تکرار شده است) معیار استواری برای سنجش قریب ۶۰۰ (ششصد) رباعی بدست می‌آید."^۲

۱- دشتی، علی، "دمی باخیام"، ص ۱۱۳ - ۱۱۲ .

۲- همان ماخذ، ص ۱۳۰ .



و این ۳۵ رباعی دارای "فدرمشترک و خصوصیات" است که بطور
اختصار چنین است :

— زمان قدری ابتدائی می نماید ولی عاری از حشو و ساده
است .

— تفکر در معمای هستی ، جستجوی علت نهائی آفرینش و
حیرت در توالی وجود و عدم (تحول مستمر) .

— تحول در صورتها بطور مستمر بوقوع می پیوندد ، همه‌ی
موجودات در برابر این امر یکسانند .

— بعد از آنکه صورتی از بین رفت ، طبیعت بیکار نمی نشیند .
دوباره از ترکیبات آن صورت ، صورتهای جدیدی بوجود می آورد
که ممکنست با صورت قبلی مشابهتی نداشته باشد .

— براین پایه ، زندگانی یک پدیده بی نظیر است که دوباره
نصیب انسان می شود و نباید آن را با رنج کشیدن خراب نمود .
— بآنچه که در اجتماع است بی اعتنائی استنباط می گردد .
— از عاقبت کار هراسی نیست و توبه و تضرع در آن راه ندارد .



— آدمی طوری بدنیا آمده که در سرنوشت خود اختیاری ندارد و بسیاری از تلاش‌ها بیهوده است .

— نسبت به زیباییهای طبیعت و خوبی‌های زندگی حساسیت وجود دارد .

— انسان نباید هرچه می‌داند بگوید ، چون مردم نمی‌توانند خلاف اعتقادات خود را بشنوند ، در غیراینصورت زندگی را بر انسان تباہ می‌کنند .^۱

پی آمد :

تشخیص رباعیات اصیل و جهات تحقیق مبتنی بر : شناخت شخصیت معنوی خیام و عنایت به سبک بیان و روش اندیشه و توجه به خلق و خوی او از خلال گفته‌های معاصران خیام و بررسی مآخذها و منابع معتبر و معرفی شده ، همچنین بکارگرفتن شروط مختلف

۱- دشتی ، علی ، "دمی باخیام" ، ص ۱۳۲ - ۱۳۱ .



و گونه‌گون از عهده‌ی یک تن ساخته نیست و بقول آقای محسن فرزانه: "باید که جمعی وانجمنی از محققان و مطلعان بادسترسی به کلیه منابع و ماخذ آن را برعهده گیرند و متون خطی و چاپی نهصدسال نثر و شعر پارسی و حتی عربی را از نظر دقت بگذرانند!" که حقیر هم با این باور، موافقم و معتقدم که: در کار تحقیق جمعی مسلماً "عیب و نقص و اشتباه کمتر راه خواهد یافت و هرگاه چنین روشی درباره‌ی "بررسی و نقد" آثار "علمی و ادبی" حکیم خیام صورت گیرد و حاصل این تحقیقات و تتبعات و پژوهش‌ها (بشیوه علمی) از سوی یکی از مراکز دانشگاهی کشور انتشار یابد و به مراکز فرهنگی و علمی جهان نیز فرستاده شود، سهم "تأثیر تفکرات" حکیم خیام به جهان علم و ادب آشکار خواهد شد.

۱- فرزانه، محسن، "خیام‌شناخت"، ص ۱۵.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قدیمترین ماخذ رباعیات حکیم عمر خیام

در زمینه‌ی قدیمترین ماخذ استاد بزرگوار جلال الدین همائی
تحقیقاتی نمودماند که در طربخانه تالیف یار احمد بن حسین
رشیدی تبریزی بعنوان (مقدمه و تعلیقات و اضافات) چاپ شده
است . استاد می‌گوید :

"قدیمترین ماخذی که نمونه رباعیات حکیم خیام در
آن با اسم و رسم ذکر شده همان رساله: "التنبیه علی بعض



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

الاسرار المودعه فی بعض سور القرآن عظیم " تالیف امام
فخرالدین رازی متوفی ۹۰۶ " می باشد.^۱

بعد از این رساله از "سندباد نامه" تالیف محمدبن علی
ظهیری "نام می برند و آنگاه از کتاب "مرزبان نامه" و اشاره می کنند
که در مرزبان نامه "سه رباعی هست که هر سه را به حکیم خیام نسبت
دادماند".^۲

استاد همائی مرصادالعباد تالیف شیخ نجم الدین ابوبکر
رازی معروف به دایه را (بعد از رساله التنبیه) قدیمترین کتابی
دانسته که نمونه رباعیات عمر خیام در آن نقل شده است.^۳
از لحاظ رباعیات اصیل و رباعیات منسوب بخیام ، باید
بدین نکته توجه نمود که: گرچه هریک از محققان و مطلعان و

۱- همائی ، استاد جلال الدین ، کتاب : " طریخانه " ، ص ۳۲ .

۲- همان ماخذ ، ص ۳۴ .

۳- همان ماخذ ، همان صفحه .



صاحب‌نظران برای شناسائی رباعیات اصیل موازینی درگرفته‌اند ، اما همان‌طور که اشارت رفت شناسائی رباعیات حقیقی خیام کار دشواری است ، چون ضابطه‌ها و معیارها نیز از نظرگاه اهل تحقیق متفاوت می‌باشد و تعداد رباعیات منسوب به خیام هم در کتب مختلف یکسان نیست .

بعنوان مثال :

" ۱- در مرصداالعباد ۲ رباعی

۲- در تاریخ گزیده ۱ رباعی

۳- در تاریخ جهان‌نگشای جوینی ۱ رباعی

۴- در زینةالمجالس ۳۳ رباعی (دو رباعی تکراری)

۵- در مونس الاحرار ۱۳ رباعی (دو رباعی تکراری)^۱

چنین وضعی درباره کمترشاعری پیش‌آمده و هرچه از زمان

خیام فاصله بیشتر می‌شود ، تعداد رباعیات افزون‌تر می‌گردد ،

۱- هدایت ، عیسی ، "مکتب خیام" ، ص ۳ .



و افزونی رباعیات دلیل قاطعی برانتساب آنها به حکیم خیام نیست زیرا: "گاهی در رباعیات منسوب به خیام به یک یا چند رباعی برمی‌خوریم که با رباعیات دیگرش مغایرت دارد یا با افکار فلسفی خیام مخالف می‌باشد".^۱

و استاد همائی در باره رباعیهائی که از خیام نبوده ولی در کتاب طربخانه آمده است می‌نویسد:

"از آن جمله ۲۷ رباعی . . . که مصراع اول آنها را با شماره‌های طربخانه موجود نوشته‌ایم. همه از شیخ عطار است در منظومه مختارنامه".^۲

نمونه:

بربستر خاک ، خفتگان می‌بینم
این اهل قبور خاک گشتند و غبار

۱- هدایت، عیسی، "مکتب خیام"، ص ۳.

۲- طربخانه، ص ۴۸.



افسوس که بی فایده فرسوده شدیم

استاد همائی دنباله مطلب چنین ادامه می دهند: "شش رباعی
طربخانه را هم در رباعیات افضل الدین کاشانی (بابا افضل)
دیدهایم".^۱
نمونه:

آنم که پدید گشتم از قدرت تو

بازی بودم ، پریده از عالم راز

از آمدن و رفتن ما سودی کو؟

بودی که نبودت بخور و خواب نیاز

در دایرهٔ سپهر ناپیدا غور

مائیم که اصل شادی و کان عمیم

۱- طربخانه ، ص ۵۰ .



بنابراین رباعیاتی که امروزه بنام "خیام" معروف می‌باشد، همه از خیام نیست و گفته شده که ۵۳ تا ۶۶ رباعی از خیام است: "و مقصود از ۶۶ رباعی اصیل همانهاست که در کتب و مجموعه های پیش از سده نهم یافته و آنرا پایه و مفتاح تشخیص دیگر رباعیات منتسب بخیام قرار داده‌اند".^۱

چون بازگو نمودن حقایق در عصر خیام (و بعد از آن) قبول طبع ظاهرپسندان نبوده است. بنابراین شعرای ترانه‌گو نیز بآبهره‌وری از نام خیام، نظرات و تفکرات خود را در قالب "رباعی" بنام "خیام" بر مردم عرضه کرده‌اند و مورخان و نویسندگان . . . بعد از خیام هم این رباعیات را در کتابهای خود آورده و بالنتیجه سبب شده‌اند که تعداد رباعیات انگشت شمار خیام امروز به بیش از هزار رباعی برسد و بقول صادق هدایت: "رباعیاتی که به اسم خیام معروف است و در دسترس همه می‌باشد مجموعه‌ایست که

۱- طریخانه، ص ۴۱.



عموماً از هشتاد الی هزار و دویست رباعی کم و بیش دارد. اما همه آنها تقریباً "جنگ مغلوطی از افکار مختلف را تشکیل می دهد".^۱

۱- هدایت، صادق، "ترانه‌های خیام"، ص ۹.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

رباعیات تمیم

تعدادی از رباعیات باصطلاح "اصیل" که از سوی پژوهندگان
از منابع موثق و مأخذی چون: مرصادالعباد شیخ نجم الدین دایه
جهانگشای جوینی - تاریخ گزیده - مونس الاحرار و تاریخ و صاف
و... گرد آوری شده است تصور میرود، بهنگام چاپ و انتشار
دچار سرنوشت غم انگیزی شده باشد، چرا که گونه‌های ثبت شده
متفاوت میباشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ملاحظه چنین وضعی ، یادآور خاطرات حزن انگیز فرزندان
 پدر ازدست داده ای را می ماند که هرکس برای تسلی آنان سخنی
 میگوید و این پدر ازدست دادگان نمیدانند چه باید بگویند .
 برای آنکه موضوع کاملاً" روش شود ، بعنوان مثال دوربای
 از مرصادالعباد و تاریخ جهانگشا ، انتخابی محققان را از نظر
 خوانندگان نکته سنج میگذرانم :
 رباعی یکم :

دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست
 از بهر چه او فکندش اندر کم و کاست
 گر خوب نیامد ، این بنا عیب کراست
 و ر خوب آمد خرابی از بهر چراست

" کتاب النبیه - مرصادالعباد "

رباعی بالا از کتاب " دمی باخیام " آورده شده وهمانطور
 که ملاحظه میشود ماخذ رباعی هم ذکر شده است . این رباعی در



مجموعه " ترانه‌ها " که بعنوان " متن‌های کهن فارسی " ^۱ انتشار یافته بگونه زیر ثبت شده است:

سازنده که ترکیب بدایع آراست
از بهر چه پس فکندش اندرکم وکاست
گر نیک آمد ، شکستن از بهرچه بود
ورنیک نیامد این‌صور عیب کراست؟^۲

و همین رباعی مورد بحث ، در مجموعه^۶ " رباعیات حکیم عمر خیام به تصحیح و مقابله و همت محمد رضانی به صورت زیر مشاهده میشود :

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
از بهر چه او فکندش اندرکم وکاست

۱- ترانه‌ها ، انتشارات نیل ، ۱۳۴۲ ، ص ۵۴ .

۲- همان ماخذ .



گرنیک آمد ، شکستن از بهر چه بود
ورنیک نیامد این صور عیب کراست^۱

و بالاخره این رباعی در مجموعه "رباعیات حکیم خیام نیشابوری"
بامقدمه و حواشی دانشمند و ادیب مشهور مرحوم محمد علی فروغی
(که در زمان انتشار در قید حیات بوده اند) و آقای دکتر غنی
(ایشان نیز حیات داشته اند) بدین صورت ثبت شده است :

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
از بهر چه افکندش اندر کم و کاست
گرنیک آمد شکستن از بهر چه بود
ورنیک نیامد این صور عیب کراست.^۲

- ۱- مجموعه "رباعیات حکیم عمر خیام" ، انتشارات کلاله خاور ،
سال ۱۳۱۵ ، رباعی شماره ۷۲ .
- ۲- مجموعه "رباعیات حکیم خیام نیشابوری" ، انتشارات زوار ،
تهران ، ۱۳۳۹ ، ص ۷۸ .



رباعی دوم: این رباعی نیز از کتاب "دمی باخیم" که
بر گرفته از تاریخ جهانگشا - تاریخ و صاف میباشد انتخاب شده
است:

اجزای پیاله‌ای که درهم پیوست
بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین سروپای نازنین از برو دست
در مهر که پیوست و بگین که شکست^۳

تاریخ جهانگشا - تاریخ و صاف

رباعی منظور در مجموعه‌ی "ترانه‌ها" انتشارات نیل‌بدین صورت
میباشد:

اجزای پیاله‌ئی که در هم پیوست ،
بشکستن آن ، روا نمی‌دارد مست

۱- دمی باخیم ، ص ۱۱۳ .



چندین سروساق نازنین و کف دست

از مهر که پیوست و به کین که شکست^۱

در مجموعه " رباعیات حکیم عمر خیام " انتشارات کلاله خاور

(۱۳۱۵) بصورت زیر دیده میشود:

اجزای پیاله را که در هم پیوست

بشکستن آن روا نمیدارد مست

چندین سروپای نازنین و کف دست

از مهر که پیوست و بکین که شکست^۲

و سرانجام در مجموعه " رباعیات حکیم خیام نیشابوری " آقایان

فروغی و دکتر غنی رباعی بالا چنین آمده است :

۱- ترانه‌ها ، ص ۴۷ .

۲- مجموعه کلاله خاور ، رباعی ۲۳ .



ترکیب پیاله که درهم پیوست
 بشکستن آن روا نمی دارد مست
 چندین سروپای نازنین از سرودست
 بر مهر که پیوست و بکین که شکست^۱

آقای محسن فرزانه هم در کتاب "خیام شناخت" رباعی یکم را
 بصورت پائین ثبت کرده است:

دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست
 بازار چه سبب نکندش اندر کم و کاست^۲

ورباعی دوم یعنی: "اجزای پیاله‌ای که درهم پیوست" در کتاب
 "خیام شناخت" بشکل زیر آمده است:

۱- مجموعه "رباعیات حکیم خیام نیشابوری"، انتشارات زوار، ص ۷۶.

۲- فرزانه، محسن، "خیام شناخت"، ص ۲۱۵.



ترکیب پیالهٔ که درهم پیوست
 بشکستن آن روا نمیدارد مست
 چندین سروپای نازنین از سرودست
 از مهر که پیوست و بکین که شکست^۱

دو رباعی مورد بررسی - در کتاب: "نادره ایام حکیم عمر خیام
 و رباعیات او" انتشارات انجمن آثار ملی ثبتی متفاوت دارد:

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
 باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست
 گر نیک نیامد این بنا عیب کراست؟
 ورنیک آمد خرابی از بهر چه خواست؟^۲

۱- فرزانه، محسن، "خیام شناخت"، ص ۲۱۵.

۲- نادره ایام... ص ۳۲۹.



ترکیب پیاله را که در هم پیوست
 بشکستن آن روا نمیدارد مست
 چندین سروپای نازنینان جهان
 از مهر که پیوست و بکین که شکست^۱

مرحوم صادق هدایت ، رباعی نمونه اول را مانند مجموعه رباعیات
 کلاله خاور ثبت کرده یعنی :

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
 از بهر چه فکندش اندر کم و کاست^۲

و رباعی دوم یعنی " اجزای پیاله ای که در هم پیوست " مصرع
 سومش در ترانه‌های خیام صادق هدایت اینطور ثبت گردیده است
 " چندین سروساق نازنین و کف دست " ^۳

۱- نادره ایام . . . ص ۳۲۷ .

۲- ترانه‌های خیام ، ص ۸۳ - ۷۱ .

۳- همان ماخذ ، همان صفحه .



محقق دانشمند استاد جلال همائی هم در کتاب طربخانه رباعی نمونه یکم را براساس مرصادالعباد دانسته یعنی :

" دارنده چو ترکیب چنین خوب آراست الی آخر " ثبت فرموده ولی رباعی نمونه دوم : " اجزای پیاده‌ای که درهم پیوست را " ترکیب پیالهء ... " آورده‌اند.^۱

در این دو نمونه رباعی که براساس متن های کهن پیش از قرن نهم هجری انتخاب و در کتب و مجموعه‌ها ثبت و ضبط شده ، کلمات و ترکیبات متفاوتی ذکر گردیده است . بعضی از کلمات مانند " ازمهر " یا " دارنده " ممکنست بعلت بد خطی یا عدم دقت استنتاج کنندگان و نسخه برداران " درمهر " و " سازنده " خوانده شده و بهمان شکل هم ثبت گردیده باشد . ولی کلماتی نظیر : " چنین خوب آراست " بهر شکلی که نوشته شده باشد " طبایع آراست " جلوه نمیکند ، یا احتمالاً " ممکنست " چندین سرو پای "

۱- طربخانه ، ص ۳۳ - ۳۲ .



"چندین سروساق" خوانده شود، لیکن بعید بنظر میرسد و اصولاً ممکن نیست که "سرودست" را "نازنینان جهان" خواند.

بنظر حقیر، این کلمات و ترکیبات متفاوت در "رباعی‌های مشخص" و "مورداستناد" و باصطلاح "رباعیات کلید" که در مجموعه‌ها بچشم می‌خورد، نمونه‌ای است از "ذوق شخصی" مصححان، درکار تصحیح "رباعیات خیام"^۱

اما انصاف نیست که زحمات همه محققان و کسانی که درکار تصحیح عمری را سپری کرده‌اند برباد رود، چون این پژوهندگان بزرگوار با انتخاب ترکیبات مناسب برای ترکیبات ناخوش‌آهنگ

۱- چون قصد تصحیح رباعیات خیام یا رباعیات خیامی در کار نبود، از اینرو بشیوه مرسوم عمل نشد و از نامگذاری کتاب‌های مورد بررسی باعناوین مثلاً "ط = طربخانه" - (ن = نادره ایام) - (ت = ترانه‌های خیام) و غیره خودداری شد و دو نمونه رباعی بهمان صورتی که ثبت شده بود، بنظر خوانندگان گرامی رسید.



بعضی از رباعیات که معلوم نیست از خیام باشد، آن رباعی را از یک "بافت زیبای کلامی" برخوردار کرده‌اند. لیکن معتقدم که در پیراستن و تصحیح نباید با دخل و تصرف، بافت اصلی و صورت واقعی کلام شاعر یا نویسنده تغییر یابد، بلکه باید اینگونه "تغییرات ذوقی" در زیرنویس‌ها ثبت شود و با چنین وضعی که پیش آمده است ضرورتاً ایجاب مینماید، علاوه بر تشخیص رباعیات اصیل و تفکیک رباعیات الحاقی، کارت‌تنقیح همین "رباعیات الحاقی" هم اعم از مشکوک و منسوب نیز وسیله‌ی جمعی از صاحب‌نظران و خیام‌شناسان و مطلعان ارزیابی شود و مجموعه‌ی ارزشمند آن از "رباعیات" سروده شده‌ی در این چندصد سال، بصورتی جداگانه با نقد و بررسی شایسته‌ی تنظیم و بجامعه علم و ادب معرفی شود.



هاله‌ی افسانه‌ها

گرد سیمای راستین خیام را هاله‌ای از افسانه‌ها پوشانده است افسانه‌هایی مانند: رسوا کردن خیام، سه یار دبستانی و... معمولاً ساختن و پرداختن افسانه بی‌منظور نمی‌تواند باشد و اگر از حیث ساختمان، قصه را فراموش کنیم، موضوع آن قابل بحث می‌باشد.

گاه افسانه از برای مشهور ساختن در جهت خوبی یک شخصیت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بوجود می‌آید و زمانی، بد سگالی و حسادت و کینه توزی باعث افسانه سازی میشود تا به شهرت و محبوبیت شخصیت مورد نظر لطمه وارد شود و: " طبیعت عامه براینست که هرکس را بزرگ یافتند در بارهٔ او افسانه می‌سازند"^۱.

درباره‌ی حکیم عمر خیام که شهرتی جهانی داشته است، کسانی هم از روی دشمنی و خبث‌طینت به شایعه پردازی و افسانه سازی پرداخته اند و فی‌المثل افسانه زیر را:

مرد عالمی که مخفیانه نزد خیام درس میخوانده هر روز پس از خارج شدن از خانه او، نامش را بزشتی میبرده است، خیام که از موضوع آگاه میشود مطربان و دهل زنان را دعوت میکند (بعد از خروج آن عالم) و در پشت بام سرو صدا راه میاندازد، مردم که بصدای دهل و دف جمع میشوند، خیام آن عالم زشت گوی

۱- مقدمه فروغی بر: "رباعیات حکیم خیام نیشابوری"، انتشارات



را معرفی میکند که نزد او هر بامداد می‌آید درس می‌خواند و بدین ترتیب رازش را فاش مینماید. و این افسانه را:

" زکریا بن محمد قزوینی در کتاب آثار البلاد و اخبار البلاد و شمس‌الدین تبریزی در مقالات خود و یار احمدی رشیدی در مجموعه طربخانه هریک بنحوی روایت کرده‌اند. " ^۱

افسانه دیگری در اطراف این رباعی است :

ای رفته و بازآمده بل هم گشته
 نامت زمیان نامها گم گشته
 ناخن همه جمع آمده و سم گشته
 ریش از پس کون آمده و دم گشته

۱- یکانی، کتاب: "نادره‌ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او"، انتشارات انجمن آثار ملی، ص ۲۰۹.



و حکایت چنین آورده شده است که:

الاهی که برای تعمیر مدرسه خشت میکشیده، از در مدرسه
 بداخل نمیرفته خیام که از ماجرا مطلع میشود، بگوش‌درازگوش
 رباعی یاد شده را میخواند و چهار پا هم از در مدرسه داخل
 میشود، دیگران که از خیام سبب‌رامی پرسند، خیام گفته: "روح
 مدرس مدرسه بجسم این درازگوش حلول کرده و می‌ترسید که
 شاگردان بشاسندش، حالاکه دید شناخته‌شده و امتناعش از ورود
 به مدرسه فایده‌ای ندارد داخل آن شد"^۱.

این رباعی مطایبه مانند، معرف طلاب و مدرسان قشری و
 متعصب مدارس قدیم ایران است: "یاراحمدرشیدی این افسانه
 را در طربخانه‌هاحمدبن نصراله تتوی در تاریخ الفی نقل کرده‌اند"^۲
 و افسانه‌های دیگری مانند: مردن خیام پیش از مادرش، علاقه‌ی

۱- نادره ایام . . . ص ۲۱۲ .

۲- همان ماخذ، همان صفحه .



خیام به شکار، حال حیرت‌بخش خیام و نفرین خیام محتسب را و اجابت نفرین.^۱

اما در باره‌ی سه یار دبستانی (خیام - خواجه نظام‌الملک و حسن صباح) مطالب زیادی نوشته شده که از کثرت نگارش و رسوخ در عقاید، پاره‌ای از مردم، این داستان را حقیقی پنداشته‌اند. حکایت سه یار دبستانی نه تنها حقیقت ندارد، بلکه پژوهشگران ارجمند نیز با تحقیقات فاضلانه این داستان را که از دیرباز در ایران رونق یافته است باطل دانسته‌اند.

آقایان حسن شایگان و فردین شیروانی در مقاله‌ی "سیمای راستین خیام" نخستین دلیل باطل بودن این افسانه را چنین نوشته‌اند:

"نخستین دلیلی که میتوان اقامه کرد از تناقضات خود خواجه بیرون کشیده میشود باین معنا که او تصریح میکند،

۱- نادره ایام ۰۰۰ ص ۲۱۸ - ۲۱۳ .



زادگاه حسن صباح در قم بوده و خواجه نظام‌الملک متولد طوس است ، مسقط‌الراس عمرخیام در نیشابود . این‌هرسه در ایام صباحت به نیشابور در کنار هم سرگرم تحصیل بوده‌اند آیا از این نقیضه گوئی آشکار که سه طفل از سه شهرایران در یک نقطه گرد هم آیند و در یک مکتب همدرس گردند ، نمی‌توان به بطلان این قضیه پی برد . " ۱

با این توصیف ، دلیل نخستین ، مساله زادگاه میباشد (که در آن زمان از لحاظ وسیله ارتباطی تا حدی مشکل بنظر می‌رسد ، سه نفر از سه شهر مختلف در یک مدرسه گرد هم بتحصیل ادامه دهند و امروزه چنین مساله یا مشکلی نمی‌تواند وجود داشته باشد) و علاوه ، طوس محل تولد خواجه نظام‌الملک و نیشابور زادگاه خیام آنقدرها از هم دور نبوده و حرکت حسن صباح هم از قم به نیشابور با وسائل آنروزی احتیاج به زمان بیشتری داشته است .

۱- مجله هنر و مردم ، شماره ۱۲۲ ، ص ۵۱ .



اما ، دلیل دوم که بنظر حقیر مهم است اختلاف سن این سه تن میباشد که امکان گردهم آئی در یک زمان و یک مکتب را ممکن نمیسازد و شاید بتوان بقول آقایان شایگان و شیروانی گفت :

" درگیریها و وابستگی‌های آتی که این سه را در گردونه برخورد قرار میدهد تا آنجا که هر سه در یک نظام واحد اداری و سیاسی به کار مشغول گردند ، میشود گفت که مستمسکی به دست داده که عده‌ای ارتباط زمان کهولت را به دوران صباوت نیز سرایت و تعمیم دهند"^۱ .

در هر صورت داستان این سه یار دبستانی ، حکایتی است معروف و دلکش: " ولیکن سند معتبر ندارد و اهل تحقیق باور نمیدارند"^۲ و " اختلافی که در عرصه دوره آنها وجود دارد خود عدم صحت و کذب این حکایت را مدلل میدارد"^۳ .

۱- مجله هنر و مردم ، شماره ۱۲۲ ، ص ۵۲ .

۲- مجموعه رباعیات خیام ، انتشارات زوار ، ص ۳ .

۳- سایکس سرپرسی ، " تاریخ ایران " ، جلد دوم ، ص ۴۸ .



جالب تر از همه افسانه‌ی " شیخ عمرعلی شاه " است . در باره خیام که ادعا کرده خیام حکیم نبوده ، بلکه از پیروان فرقه قادریه بوده و والدینش نیز افغانی الاصل بوده اند . واقعا " قصه‌ایست شنیدنی :

" چند سال پیش شیخ عمر علی شاه نام به اتفاق دستیار انگلیسی اش (رابرت گریوز) ترجمه تازه‌ای از رباعیات خیام در لندن منتشر کردند ، این بار عمرعلی شاه ادعا کرد که والدین خیام در اصل افغانی بوده‌اند که در صومعه‌ای به بلخ می‌زیسته‌اند و خود خیام نیز حکیم نبوده بل ، شیخی از پیروان شیخ موفق‌الدین (رئیس فرقه قادریه) بوده‌است .^۱

افسانه سازی از رواج نخواهد افتاد و بعید بنظر نمی‌رسد که بازهم افسانه‌ی تازه و جالب دیگری از برای نفی شخصیت جهانی

۱- مجله هنر و مردم ، شماره ۱۲۲ ، ص ۵۰ .



خیام توسط خاورشناسی ، ساخته شود وبصورت تحقیقات نو عرضه گردد . لیکن اشاعه و نشرچنین داستانهای بی اساس وبی بنیاد ، نمی توانند درکار ترسیم سیمای راستین خیام مانعی جدی بحساب آیند .

[@caffeinebookly](https://twitter.com/caffeinebookly)[caffeinebookly](https://plus.google.com/caffeinebookly)[@caffeinebookly](https://www.instagram.com/caffeinebookly)[caffeinebookly](https://www.linkedin.com/company/caffeinebookly)t.me/caffeinebookly

مهم‌خیم و کتب فارسی و ترکی و عربی

حاصل بررسیها و پژوهشهایی که تاکنون انجام شده، چنین است که: در نسخه‌های بدست آمده از رباعیات خیام دوازده رباعی هست که نام خیام دارد و: " درشش تا از آنها تردید است که از خود خیام باشد " ^۱.

۱- یکانی، " نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او"، ص ۵ .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ضمناً، نگرشی به تحقیقات محققان گرانقدر، نشان میدهد
 مآخذ فارسی که از حکیم دانشمند عمر خیام نام برده و مطالبی
 را ذکر کرده‌اند بقرار زیر میباشد:

۱- چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی (نام قبلی این
 کتاب مجمع النوادر بوده است) .

۲- نامه شاعر والا مقام حکیم ابوالمجد ، مجدودبن آدم
 سنائی (ابوالحسن علی بن آدم سنائی) ازهرات به خیام (متوفی
 بسال ۵۲۵ هجری قمری) مصبوط در کتابخانه فاتیح در اسلامبول .
 ۳- مرصادالعباد تالیف شیخ نجم‌الدین رازی . یکی از فضلا
 که به نزد نابینایان بفضل و حکمت و کیاست معروف ومشهور است
 و آن عمر خیام است از غایت حیرت و ضلالت این بیت میگوید "

" در دایره کامدن و رفتن ماست "

" آنرا نه بدایت ، نه نهایت پیدا است "

" کس می نزند می در این عالم راست "

" کاین آمدن از کجا و رفتن به کجاست "



۴ - خاقانی شیروانی (متوفی ۵۸۲ هجری قمری) در رثا
عم خود که نامش طبیب حکیم کافی الدین عمر بن عثمان بود ،
نامی هم از خیام برده ، گوید :

زان عقل بدو گفت که ای عمر عثمان
هم عمر خیامی و هم عمر خطاب^۱

۵ - در نسخه مجموعهای بنام " مقالات شمس الدین تبریزی "
مضبوط در کتابخانه دانشگاه اسلامبول .
۶ - کتاب جامع التواریخ - تالیف رشیدالدین فضل اله
همدانی وزیر دانشمند و باکیاست غازان خان که بدستور ابوسعید
بهادرخان در سال ۷۱۸ هجری قمری برابر با ۱۳۱۸ میلادی کشته
شده است .

۷- تاریخ گزیده - تالیف حمداله مستوفی قزوینی .

۱- نادره ایام ، ، ، ، ، ، ص ۲۸ .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

۸- فردوس التواریخ - تالیف خسرو ابرقوهی " نویسنده کتاب خیام را در علم نجوم ستوده و اشعارش را بی نظیر دانسته است .

۹ - طربخانه ، تالیف - یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی .
 ۱۰ - روضه الصفا (جلد چهارم) تالیف ، مورخ شهرمیر - خواندین سید خواند شاه (متوفی ۹۰۶ ، هجری قمری) که پیمان بستن حسن صباح - خواجه ، نظام الملک و خیام را توصیف کرده است .

۱۱ - مجالس النفایس - تالیف شاه محمود قزوینی .
 ۱۲ - تاریخ کبیر جعفری - مولف جعفر بن محمد بن حسن .
 ۱۳ - تاریخ الفی - تالیف احمد بن نصراله تتوی .
 ۱۴ - تذکره آتشکده - تالیف لطفعلی بیک شاملو معروف به آذر بیگدلی .

۱۵ - مجمع الفصحاء (جلد اول) تالیف رضاقلیخان هدایت .
 ۱۶ - ریاض العارفین - تالیف مرحوم رضاقلیخان هدایت .



۱۷- حواشی چهارمقاله نظامی عروضی سمرقندی وسیله‌ی

محمدبن عبدالوهاب قزوینی .^۱

علاوه بر ماخذهای فارسی ، آقای یکانی در کتاب " نادره

ایام حکیم عمرخیام و رباعیات او " ماخذهای عربی و ترکی رانیز

ذکر نموده و از آن جمله است ۱۳ ماخذ عربی و پنج ماخذ ترکی .

ماخذ عربی و ترکی با رعایت اختصار ، صرفاً " برای آگاهی

خواننده عزیز آورده میشود :

ماخذ عربی :

۱- کتاب : " الزاجر للصغار عن معارضه الکبار " نوشته‌ی

۱- انتخاب این ماخذها از کتاب : " نادره ایام حکم عمرخیام

و رباعیات او " ، نوشته آقای یکانی ، از انتشارات انجمن

آثار ملی ، ۱۳۴۲ ، ص ۵۵ - ۱۸ ، می باشد که برای آگاهی

بیشتر در اینباره و همچنین ماخذ ترکی و عربی می توان به

کتاب مزبور مراجعه نمود .



" جارالله ابوالقاسم محمود بن عمر زمخشرى " (۴۶۷-۵۳۸ هجرى
قمرى) .

۲- كتاب ميزان الحكمه - تاليف حكيم عبدالرحمن خازنى
(از معاصران خيام) .

۳- كتاب تتمه صوان الحكمه - تاليف ، ظهير الدين ابوالحسن
على بن زبيدين محمدى حسين بن فندق بيهقى .

۴- كتاب ، خريده القصر و جريده العصار : ابو عبدالمحمد
بن صفى الدين ابى الفرج محمد اصفهانى معروف به عماد الدين
كاتب .

۵- كتاب : " تزهة الارواح و روضة الافراج " تاليف شمس
الدين محمد بن محمود شهر روزى .

۶- كتاب كامل التواريخ ، تاليف ، فريدالدين ابوالحسن
على بن ابى الكرم محمد معروف به " ابن اثير " .

۷- كتاب تاريخ الحكماء - تاليف جلال الدين ابوالحسن
على بن القاضى الاشرف يوسف القفطى (متوفى ۶۴۹ هجرى قمرى)



- ۸- کتاب ، آثار البلاد و اخبار العباد ، تالیف زکریا بن محمد بن محمود قزوینی .
- ۹- کتاب " التحفه الشامیه فی الهیته " تالیف ابوالثنا ، قطب الدین محمد بن مسعود شیرازی ، متوفی (۷۱۰ هجری قمری)
- ۱۰- مقدمه ابن خلدون - تالیف ، ابوزید عبدالرحمن بن محمد معروف به " ابن خلدون " (۷۳۲-۸۰۶-۸۰۸ هجری قمری) نام این کتاب " العبر و دیوان المبتدوالخبر " میباشد .
- ۱۱- کتاب کشف الظنون ، تالیف ، مصطفی بن عبدالله معروف به (حاجی خلیفه ۱۰۰۰-۱۰۶۷ هجری قمری) .
- ۱۲- المنجد ، ماده خیام ، چاپ ۱۹۵۶ .
- ضمناً " محمد السباعی شاعر که کتابی بنام " رباعیات الخیام الفکی الشاعر الفیلسوف الفارسی " نوشته از خیام نام برده و ودیع البستانی الصغیر از ادبای معاصر عربی زبان که برخی از رباعیات خیام را از ترجمه‌های انگلیسی و فرانسه بیان نموده است .^۱

۱- نادره ایام . . . ص ۸۵ - ۵۶ .



ماخذ ترکی :

- ۱- نفعی - از شعرای ترک (مقتول بسال ۱۶۳۴ میلادی) .
- ۲- مرحوم ، معلم فیضی ، دراوایل قرن چهاردهم هجری قمری برای نخستین بار : " رساله مختصری بزبان ترکی در باره خیام نوشته و در آن قریب سی قطعه از رباعیات وی را درج کرده " .
- ۳- شمس الدین سالی بیک - در کتاب " قاموس الاعلام " .
- ۴- دکتر عبدالله جودت بیک از ادبا و فضیلابی ترکیه و صاحب مجله اجتهاد که ۶۴۶ رباعی منتشرشده‌ی وسیله‌ی میسو نیگلا با ترجمه فرانسوی آنها را بترکی ترجمه و در ۱۹۱۴ میلادی چاپ کرده و بعد ۱۱۲ رباعی دیگر هم بآن افزوده و بار دیگر در سال ۱۹۲۶ میلادی تعداد ۵۷۶ رباعی منتشر کرده است .^۱
- ۵- مرحوم حسین دانش بیک . (میرزا حسین خان دانش ایرانی الاصل که زادگاه او اصفهان بوده است) . (۱۲۸۲-۱۳۶۲)

۱- نادره ایام ص ۹۵ .



هجری قمری) با شرکت شادروان دکتر رضا توفیق بیک ۳۹۵ رباعی از رباعیات منسوب به خیام را تحت عنوان (رباعیات عمر خیام) بزبان ترکی اسلامبولی ترجمه و توسط کتابخانه اقبال در اسلامبول چاپ و منتشر ساخته است.^۱

۶- آقای عبدالباقی کل پنیارلی (ازادبا وفضلاى معاصر ترکیه) مجموعه طربخانه یار احمد رشیدی تبریزی را به انضمام (رساله‌های در علم کلیات) و خطبه عربی شیخ الرئیس ابو علی سینا و ترجمه فارسی آن از طرف خیام را بسال ۱۳۳۲ شمسی در اسلامبول چاپ و منتشر کرده است.^۲

۱- نادره ایام . . . ص ۹۳ - ۹۲ .

۲- همان ماخذ ، ص ۹۶ . برای آگاهی از ماخذ ترکی به کتاب : نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او ، نوشته آقای یکانی صفحه ۸۶ الی ۹۷ مراجعه شود .



آشنایم

تصانیف حکیم عمر خیام اگر بسیار نباشد ، جای تعجب نخواهد بود زیرا : " اهل علم وقتی باینکار دست می‌زند که ضرورتی پیش آمد . . . خیام که در فن جبر ومقابله‌معلومات تازه بدست آورده بود کتابی در این باب تصنیف کرد و اثر مهم او در علم همانست . رسالات دیگر هم در موضوعات علمی دیگر دارد



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

که همه بسیار کوچک و مختصراست " ۱ .

در هر صورت ، برای احتراز از اطناب ، فهرست آثاری که از سوی پژوهندگان بنام خیام ثبت شده است بنظر خوانندگان - گرانقدر می رسد .

۱- رباعیات فارسی خیام .

۲- اشعار عربی که بیش از چندقطعه نیست .

۳- رسالهٔ جبر و مقابلهٔ عربی که در پاریس چاپ شده (رساله

فی براهین الجبر والمقابله) این رساله در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی در تهران چاپ شده است .

۴- رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات اقلیدس (نسخه

خطی آن در کتابخانه لیدن کشور هلند به شماره ۹۶۷ موجود می باشد) این رساله در سال ۱۳۱۴ در طهران چاپ شده است .

۱- " رباعیات حکیم خیام نیشابوری " ، با مقدمه و حواشی ، با تمام جناب آقای فروغی و آقای دکتر غنی ، انتشارات زوار ، ۱۳۳۹

ص ۵ .



۵- مختصری در طبیعیات (شمس الدین محمد شهرزوری
در کتاب نزهةالارواح از آن یاد کرده) .

۶- رساله زیج ملکشاهی که یکی از مولفان آن خیام است
(شیخ عبدالواحد در شرح کتاب سی فصل خواجه نصیرالدین آنرا
ذکر کرده است) .

۷- رساله‌ای در علم کلیات که خیام بعنوان یادگار برای
فخرالملک پسر خواجه نظام‌الملک نوشته و نسخه‌ای از آنرا دکتر
ارتر کریستنسن جزو مجموعه‌ای بنام (روضةالقلوب) در کتابخانه
ملی پاریس پیدا کرده و آقای کل پنازلی بانضمام طربخانه‌تحت
عنوان : (رساله سلسله‌الترتیب) چاپ کرده است ، و مرحوم
رضانی مدیر سازمان پیشین کلاله خاور از این رساله با عنوان :
" صحیفه بزبان فارسی در علم کلیات بنام فخرالملک بن‌مؤید -
الملک " نام‌برده که در شماره سوم مجله شرق اسفند ۱۳۰۹ چاپ
شده است .

۸- رساله بزبان فارسی در کلیات وجود (نسخه آن در



کتابخانه شرقی موزه بریتانیای لندن موجود است) و شاید همان رساله‌ای باشد که استاد بزرگوار سعیدنفیزی آنرا در شماره ۱۱ از دوره اول مجله شرق چاپ و منتشر کرده است. رساله‌ی مزبور در مجموعه‌ای از رسائل عربی در کتابخانه مجلس شورای ملی تحت شماره ۹۰۱۴ ضبط است با نام "رساله فی الوجود".

۹- رساله‌ای در کون و تکلیف که بخواهش ابوالنصر محمد بن عبدالرحیم نسوی در سال ۴۷۳ هجری قمری تالیف شده و محیی‌الدین صبری کردی جزو مجموعه‌ای مدون از هجده رساله بنام (جامع البدایع) بسال ۱۳۳۵ در مصر چاپ کرده است.

۱۰- رساله فی الاحتیال لمعرفة مقداری الذهب والفضة فی جسم مرکب^{۱۱} منهما (نسخه‌ای از آن در کتابخانه "گوتا" در آلمان تحت شماره ۱۱۵۸ موجود بوده در آخر مجموعه^{۱۲} (مرزن) در برلین و در مجموعه^{۱۳} خیام سیدسلیمان ندوی در هندوستان چاپ شده است.

۱۱- رساله لوازم الامکنه (در فصول و علت اختلاف هوای



شهرها و اقالیم (.....) .

۱۲- نوروزنامه بتصحیح استاد دانشمند آقای مجتبی مینوی
(۱۳۱۲ هجری شمسی در تهران چاپ شده) و تصور می‌کنم که
همین "نوروزنامه" در سال ۱۳۲۰ دوباره باهتمام آقاسید عبدالرحیم
خلخالی چاپ شده است .

۱۳- ترجمه فارسی خطبه ابن سینا از عربی (در شماره ۸
مجله شرق سردار ۱۳۱۰ چاپ شده) .

۱۴- دو تقریر فارسی و عربی در وجود (در شماره ۱۱ مجله
شرق آذر ۱۳۱۰ چاپ شده) .

۱۵- دو رساله در سه مساله از حکمت (جزء مجموعه جامع
البدایع چاپ مصر) .

۱۶- رساله‌ای در علم اعلی و حکمت اولی (جزء جامع البدایع
در مصر چاپ شده) .

۱۷- رساله‌ای در صحت طرق هندی برای استخراج جذرو

کعب .



۱۸- رساله (مشکلات الحساب) که از آن هم در مقدمه رساله (شرح ما اشکل من مصادرات کتاب اقلیدس) نام برده شده است .

۱۹- رساله نظام الملک راجع بحکومت که اسم آن در فهرست کتابخانه‌های هندوستان ذکر شده است .

۲۰- مجموعه‌ای از نامه‌هایی که بین حکیم خیام و معاصرانش (علما) مبادله شده و بنا بر نوشته دکتر عبدالله جودت در مقدمه چاپ دوم رباعیات خیام، این مجموعه متعلق به (خالص افندی) نامی بوده و آنرا جزو کتابخانه خود به وزارت فرهنگ ترکیه فروخته است .

۲۱- قطعات شعر فارسی و عربی (چاپ شده در مجموعه نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او) بقلم آقای یکانی .

۲۲- رساله‌ای در حل یک مساله جبری در جواب کسی که آنرا از خیام سوال کرده، جزء کتابخانه فاضل فقید، عباس آشتیانی بوده و ایشان در شماره ۸ دوره اول مجله شرق ضمن مقاله‌ای که



راجع باحوال خیام نوشته آنرا معرفی کرده است .

۲۳- رساله‌ی (شرح المشکل من کتاب الموسیقی) که استاد

جلال‌الدین همائی ، محقق بزرگوار در کتاب "خیامی‌نامه" جلد

اول آنرا معرفی کرده‌اند .^۱

۲۴- کتاب "مجمع‌القوانین نجوم" که دانشمند برجسته‌ی

شوروی بنام : "لوریا هویرت دینوا" پس از تحقیق و بررسی‌های

فراوان اعلام کرده‌اند مولفش حکیم عمر خیام می‌باشد .^۲

۱- برای آگاهی بیشتر در اینباره به "خیامی‌نامه" و "نادره ایام

حکیم عمر خیام و رباعیات او" و همچنین مجموعه رباعیات

حکیم عمر خیام ، انتشارات کلاله خاور مراجعه فرمائید .

۲- روزنامه کیهان ، شماره ۱۰۰۶۳ - ۲۱/۱۰/۲۵۳۵ .



تصویری از خیام یا سیمای خیام

تصویری که با مطالعه مجموعه رباعیات موجود ، در ذهن آدمی نقش می بندد ، سیمای مردی است: لالابالی و بدبین و شکاک و بی اعتقاد و عشرت طلب و شرابخواره ، فرصت جو و بیدین و در صورتیکه نقشی که از خیام با نگرش به آثار وی به ذهن متبادر می شود شخصیتی است: متفکر و اندیشمند و مطلع بمسائل اجتماعی محیط و فرزانه و مال اندیش و دانشمند و صبور و متین و متدین



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و با ایمان و صریح اللهجه و فیلسوف .

تناقض این تصاویر در ذهن آدمی ، مولود قلم پردازی کسانی

بوده است که صادقانه اعتراف می نمایند :

" . . . آیا از ارتباط و تناسبی که بین رباعیات خیام

با ذوق می و مطرب هست نمی توان استنباط کرد که این

اشعار نیز در محافل انس و در مجالسی از نوع مجالس صوفیه

گفته و خوانده می شده است ؟ و از کجا که آن " رباعیات

سرگردان " بی صاحب مانده بی هم که بدین سخنان درآمیخته

است از ترانه‌ها و غزلیهای همین‌گونه مجالس نباشد ؟ " ۱ .

نویسنده گرامی و مورخ مشهور و ارزشمند آقای دکتر عبد -

الحسین زرین کوب آگاهانه حدسها و گمانها را در باره رباعیات

خیام مردود دانسته و می گویند : " وقتی متکی بر هیچ سند قطعی

۱- با کاروان حله ، ص ۱۰۸ .



تاریخی نباشد چه فایده حاصل تواند شد؟" ۱ .
ایشان ، علاوه بر مطالب بالا ، نسخ و مجموعه‌های نظیر:
طربخانه رشیدی و چستربیتی را نسخه‌های کامل و جامع نمی‌دانند
با اینحال، براساس همان رباعیات باصطلاح "سرگردان بی صاحب
مانده" پیام خیام اندیشمند را چنین توجیه کرده‌اند:

"پیام مردیست که همه چیز را دیده ، و همه چیز را
شناخته و آزموده است ، با اینهمه در هرچه دیده است و
آزموده است جز نومییدی و بی سرانجامی و جز شک و تردید
هیچ نیافته است سراسر جهان براو در ظلمت و شک
و ابهام و درد و اندوه فرورفته است و در این ظلمت و ابهام
چنان جانش از بیم مرگ به اندوه و تشویر افتاده است که
از هشیاری و آگاهی رنج می‌برد" ۳ .

۱- با کاروان حله ، ص ۱۰۸ .

۲- همان ماخذ ، ص ۱۱۷ .



آنگاه نتیجه گرفته اند که خیام: "هروقت بیاد مرگ می افتد و چشمش به صیاد بی امان اجل که در کمین جهانهاست برخورد می کند، می کوشد که بزیر گنبد میخانه پناه برد و غم و درد و تشویش و دغدغه^۶ خویش را در نقش بی رنگ جام فراموش کند".^۱

مورخ و نویسنده گرانقدر با آنکه می داند: "از این رباعی ها شاید بسیاری از آن خیام نباشد"^۲ و یا بیان دیگر بسیاری از این رباعیات از آن خیام نیست، معذک: "روح تعلیم و جوهر فکر"^۳ خیام را از میان آنها جستجو می کند و از: "شک و بدبینی، و فرصت جوئی و عشرت طلبی"^۴ بی هیچ شکی نام می برد.

براین پایه متفکری که همه چیز را دیده و آزموده و شناخته و جز نومییدی و شک و تردید، هیچ نیافته است آیا نمی داند که

۱- با کاروان حله، ص ۱۱۷.

۲- همان ماخذ، ص ۱۰۸.

۳ و ۴- همان ماخذ، ص ۱۰۹.



بزیر گنبد میخانه پناه بردن هم دردی را دوا نمی‌کند؟ و غم‌ها
و دردها و دغدغه‌های فراموش شده در نقش بی‌رنگ جام هم موقتی
و زودگذر است؟

دانشمندی که فرصت جوئی و عشرت‌طلبی را تعلیم می‌دهد،
آگاه نیست که خوشی‌ها و لذت‌جوئی‌های زودگذر هم ملال‌انگیز
است؟

آیات‌عالی روح انسان و کمال‌آدمی در "بی‌خبری" و "فراموشی"
است؟ خوشبختانه، شاعر و نویسنده توانای معاصر احمد شاملو
در مقدمه حافظ شیراز می‌نویسد:

"... خوشباشی و تصوف، هر دو آن مایه توان -

بخشی را داشته‌اند که روحیات قومی را در پهنه جغرافیائی
وسعی، در تیره‌ترین شرایط تاریخی چنان بالا ببرند که
بتواند جو طاقت شکن سیاسی را تاب آورد و به هستی و
موجودیت خویش ادامه دهد."^۱

۱- شاملو، احمد، "حافظ شیراز"، ص ۴۰.



نویسنده فکور و پراج سپس می‌افزاید:

"... جهان بینی سیاه خیام که خط بی‌اعتباری بر
 هردلخوشکنکی می‌کشد، در تیره‌ترین ادوارسیاسی نیز بر
 یاس ناشی از شرائط روزگار پیشی می‌گرفته است چرا که
 نظرگاه او بطورکلی جهان هستی است، کل هستی است،
 و نه فقط موقع موجود. وانگهی وصول به‌کنه‌ظلمانی و نا
 امید شعرواندیشه خیام آماجی ذهنی وفرهنگ‌وهوشمندی
 روشنفکرانه (یا دست‌کم خالی از تعصبی) طلب می‌کند که
 در دسترس توده مردم نیست و همین دوری از دسترس
 است که چیزی را نجات می‌دهد".^۱

بهرحال - در صفحات پیش بطور اجمال درباره "رباعیات
 یتیم" که بنظر اهل تحقیق از کتب معتبر و مآخذ قدیم گردآوری

۱- همان ماخذ، ص ۴۲ - ۴۱.



شده است و سرنوشت آنها سخن گفته شد و ضرور نمی نماید که در بارهٔ "رباعیات سرگردان بی صاحب مانده" مطلبی گفته شود. وقتی، محقق و ادیبی چون مرحوم فروغی تعداد رباعیات باصطلاح "اصیل" را با وسواس و احتمال حدود ۶۶ (شصت و شش) رباعی ذکر می کند و محقق ارجمند و شایسته استاد جلال الدین همائی با این نظر هم چندان موافقتی ندارد، شک نیست که مجموعه های "رباعیات خیام" محتوی متجاوز از چهارصد رباعی و بیشتر نمی تواند از آن حکیم فرزانه خیام باشد و مسلم است که رباعی های جمع آوری شده و بدون نقد و بررسی انتشار یافته است و هدف از انتشار هم اگر شهرت یا سودجویی نبوده باشد نام دیگری نتوانستهایم برایش پیدا کنیم.

در عصری که، بعضی از ناشران و گردآورندگان، برحسب ذوق و سلیقه شخصی مجموعه های از رباعیات را با نام "خیام" منتشر کرده اند و جمعی هم در زمینه ی ترویج هنر و براساس دریافت و استنباط خود برای هر رباعی (وسیله هنرمندی) تصویری



ساخته و بدان افزوده‌اند ، انتظار دستیابی به "رباعیات خیامی" امری است تقریباً "محال".

براین اعتقاد ، برای پیشگیری از این نابسامانی و ناشناخته ماندن این نابغه علم و هنر و این ریاضیدان برجسته تاریخ ، ضرورت اجتماع خیام شناسان ریاضیدان و صاحب نظران و پژوهندگان ژرف اندیش در انجمنی احساس می شود تا با معیارهای اصولی و نقد و بررسی علمی "سره" را از "ناسره" تشخیص دهند و رباعیات اصیل را از رباعیات الحاقی تفکیک کنند و با معرفی رباعیات خیامی و دیگر آثار این دانشمند ریاضیدان و گرانمایه و شناساندن وی به جهان بشری از لحاظ علوم ریاضی (از جهت شاعری شهرت جهانی دارد) از او تصویر شخصیتی : ریاضیدان و منجم و طبیب و آزاداندیش و بالاخره نابغه : "علم و هنر و ادب" و بطور خلاصه مردی فیلسوف و ادیب ترسیم نمایند .

تصویر : "سیمائی عالمانه" سیمای شخصیتی که نسبت به عصر خویش دو سه قرن جلو بوده است . سیمائی که شایسته این



حکیم دانشمند باشد که پیامش زندگی آفرین است .

بامید آروز

تهران - ۳۰ دیماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کتاب و مجلاتی که مورد مطالعه بوده است

- ۱- خیامی نامه (جلد اول) ، استاد جلال‌الدین همائی ، انجمن آثار ملی .
- ۲- طربخانه ، به تصحیح و مقدمه و حواشی استاد همائی ، انجمن آثار ملی .
- ۳- خیام بعنوان عالم جبر ، دکتر مصاحب ، انجمن آثار ملی .
- ۴- باکاروان حله ، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب ، انتشارات آریا.
- ۵- دمی با خیام ، علی دشتی ، انتشارات امیرکبیر.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- ۶- خیام شناخت ، محسن فرزانه ، انتشارات امیرکبیر .
- ۷- نادره ایام حکیم عمر خیام و رباعیات او ، یکانی ، انجمن آثار ملی .
- ۸- نوروزنامه ، به تصحیح مجتبی مینوی ، انجمن آثار ملی .
- ۹- حکیم عمر خیام و زمان او ، عبدالرحیم شهولی ، گوتمبرگ .
- ۱۰- رباعیات عمر حکیم خیام ، با مقدمهٔ فروغی و دکتر غنی ، انتشارات زوار .
- ۱۱- حافظ شیراز ، احمد شاملو ، انتشارات مروارید .
- ۱۲- مجموعه رباعیات عمر حکیم خیام ، محمدرمضانی ، انتشارات کلاله خاور .
- ۱۳- مجموعه ترانه‌ها ، الف - بامداد ، انتشارات نیل .
- ۱۴- عمر خیام ، هارولد لمب - دکتر محمد علی اسلامی ، انتشارات امیرکبیر .
- ۱۵- خیام‌شناسی ، محمدمهدی فولادوند ، انتشارات امیرکبیر .
- ۱۶- ترانه‌های خیام ، صادق هدایت ، امیرکبیر
- ۱۷- مکتب خیام ، عیسی هدایت ،



۱۸- فلسفه بزرگان ، هنری توماس - فریدون بدره‌ای ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

۱۹- رباعیات حکیم ابوالفتح غیاث‌الدین ابراهیم خیام نیشابوری و شاگردان مکتب خیام ، علی اکبر کاشانی ، شرکت سهامی تحریر ایران .

۲۰- سیر فرهنگ ایران در بریتانیا ، دکتر ابوالقاسم طاهری ، انجمن آثار ملی .

۲۱- مجموعه مقالات تحقیقی و خاورشناسی اهداء به پرفسورها نری ماسه ، انتشارات دانشگاه تهران .

۲۲- تاریخ ادبیات فارسی ، هرمان اته - دکتر رضازاده شفق ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب .

۲۳- تاریخ ایران (جلد سوم) ، سرپرسی سایکس - سید محمدتقی فخرداعی گیلانی ، وزارت فرهنگ .

۲۴- مجموعه مقالات ، عباس اقبال آشتیانی ، کتابفروشی خیام .

۲۵- ایرانشهر (جلد اول) ، نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران .

۲۶- درباره رباعیات عمر خیام ، حسن دانشفر ،



۲۷- از کورش تا پهلوی، فردریک تالبرک، نشریه دانشگاه پهلوی شیراز.

۲۸- پنج گفتار در زمینه ادب و تاریخ ایران، انتشارات دانشگاه پهلوی (شیراز).

مجلات و روزنامه‌ها :

اطلاعات ماهانه .

هنر و مردم .

آثار ملی .

دانشکده ادبیات و علوم انسانی .

روزنامه کیهان .



با همه کوششی که در کار تصحیح نمونه های چاپی بعمل آمد متأسفانه کتاب از اشتباهات مصون نماند . ضمن طلب پوزش از خوانندگان فاضل و گرانقدر تقاضا میشود اشتباهات زیر را قبل از مطالعه اصلاح فرمایند .

شماره	صفحه	سطر	نا درست	درست
۱	۱	۵	برجسته ای	اندیشمندی
۲	۵۱	۱۰	سخن	سخن
۳	۵۳	۴	استشهار	اشتهار
۴	۶۷	۹	افکار	انکار
۵	۸۵	۳	و	زائد است
۶	۱۰۴	۱۰	ریاضیات	رباعیات
۷	۱۰۷	۱۱	استدلال	استدلالی
۸	۱۱۶	۷	حاصر	حاصل
۹	۱۲۴	۱	قدری	قدری
۱۰	۱۴۰	۸	نکندش	فکندش
۱۱	۱۵۱	۲	نیشابود	نیشابور
۱۲	۱۵۴	۳	توانند	توانند
۱۳	۱۵۵	۵	روضه	روضه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly